

**NEUES TESTAMENT**

**Die Gute Nachricht**

**NEW (1)  
NOUVEAU  
TESTAMENT  
IN**

**PERSIAN  
FARSI  
IRANIAN  
I**

**PERSAN**

**PERSISCHE**

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

---

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه

THE  
**NEW TESTAMENT**

OF  
OUR LORD AND SAVIOUR

**JESUS CHRIST**

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,  
INTO PERSIAN,

BY THE  
**REV. HENRY MARTYN, B.D.**

---

FOURTH EDITION.

---

**LONDON:**  
PRINTED BY RICHARD WATTS,  
**FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,**  
IN THE YEAR  
1837.

# فهرست این کتاب مقدس

<p>رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان . . . 503</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507</p> <p>رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . . 516</p> <p>رسالهٔ پولس بتیتوس . . . 522</p> <p>رسالهٔ پولس بفلیمون . . . 526</p> <p>رسالهٔ پولس بعبریان . . . 528</p> <p>رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . 552</p> <p>رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . 561</p> <p>رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . 570</p> <p>رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . 576</p> <p>رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . 585</p> <p>رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . 586</p> <p>رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . 587</p> <p>کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . 590</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . 496</p>
---	---

## انجیل متی

### باب اول

- ۲ نسب نامه عیسی مسیح پسر داؤد پسر ابراهیم \* ابراهیم پدر اسحاق
- ۳ واسحاق پدر یعقوب و یعقوب پدر یهوذا و برادران او بود \* و یهوذا
- پدر فارض و زراح بود از تامر و فارض پدر حصرون و حصرون پدر ارم
- ۴ \* و ارم پدر عمنداب و عمنداب پدر نخشون و نخشون پدر سلّمون
- ۵ \* و سلّمون پدر باعاز است از راحاب و باعاز پدر عوبید راست
- ۶ از راعوث و عوبید پدر یشی \* و یشی پدر داؤد ملک و داؤد ملک
- ۷ پدر سلیمان از وحی که زن او ریا بود \* و سلیمان پدر رحبعام و رحبعام
- ۸ پدر ایسا و ایسا پدر اسی \* و اسی پدر یوشافاط و یوشافاط پدر یورام
- ۹ و یورام پدر عزریا \* و عزریا پدر یوثام و یوثام پدر اهاز و اهاز پدر خزقییا
- ۱۱ \* و خزقییا پدر منتسا و منتسا پدر آمون و آمون پدر یوشیا \* و یوشیا پدر
- ۱۲ یوکانیا و برادرانش در زمان انتقال سیابل است \* و پس از
- انتقال سیابل یوکانیا پدر شلتائیل و شلتائیل پدر زور بابل است
- ۱۳ \* و زور بابل پدر ایوو و ایوو پدر ایلیا قیم و ایلیا قیم پدر عازور \* و عازور
- ۱۵ پدر زادوق و زادوق پدر آکین و آکین پدر ایلیوو \* و ایلیوو پدر
- ۱۶ ایلیعازر و ایلیعازر پدر متن و متن پدر یعقوب \* و یعقوب پدر
- یوسف شوهر مریم است که عیسی الموسوم بمسیح از و زائیده شد
- ۱۷ \* پس تمام طبقات از ابراهیم تا داؤد چهارده باشد و از داؤد تا برهان

انتقال بباہل نیز چہاروہ طبقہ وار زمان انتقال سیابل تا مسیح  
 ۱۸ چہاروہ طبقہ \* و متولد شدن عیسی مسیح باین طریق بوہ است  
 کہ چون مادر او مریم بیوسف منسوب شدہ بوہ قبل از آنکہ باہم  
 ۱۹ آمدہ بوہند یافتہ شد کہ از وساطتہ روح القدس حاملہ بوہ \* وار آنجا  
 کہ شوہر او یوسف مردی بوہ عادل و نخواست کہ اورا عبرت  
 ۲۰ نماید بخاطرش رسید کہ ویرا پنهانی راکند \* و ہم بر این اندیشہ می  
 بوہ کہ فرشتہ از جانب خداوند خود را در خواب بر او نمود و گفت  
 کہ ای یوسف پسر داود از گرفتن زن خود مریم مترس زیرا کہ آنچه  
 ۲۱ در او موجود شدہ است از روح القدس است \* واو پسری  
 خواهد زائید و تو اسمش را عیسی خواهی نہاد از آنجا کہ او قوم  
 ۲۲ خود را از کناہان ایشان نجات خواهد داد \* و این ہمہ بر ای آن  
 واقع شد کہ کامل شود آنچه از خداوند بواسطہ پیغمبر گفتہ شدہ بوہ  
 ۲۳ کہ می گفت \* اینک دختری باکرہ آبستن خواهد شد و پسریرا  
 خواهد زائید و نام اورا عمدنوائیل خواهد خواند کہ ترجمہ اش این  
 ۲۴ است کہ خدا با ما است \* پس یوسف از خواب بیدار شدہ آن  
 چنان کہ فرشتہ خدا باو گفتہ بوہ رفتار نمود و زن خود را نزد خویش  
 ۲۵ خواند \* و باو نزدیکی نکرد تا آنکہ پسر نخستین خود را زائیدہ بوہ پس  
 اورا عیسی نام نہاد

### باب دویم

۱ و عیسی چون در بیت لحم بہرودیہ در زمان ہیروویس شاہ زائیدہ  
 ۲ شد ناگاہ مجوسی چند از ناحیہ مشرق باورشلیم آمدہ \* گفتند  
 کہ جاست آن مولود کہ پادشاہ بہرود است کہ ما ستارہ اورا در

۳ طرف مشرق دیده ایم واز بهر آنکه اورا پیرستیم آمده ایم \* چون  
 که هیروویس شاه این سخن را شنید خور و همگی اورشلیم با وی  
 ۴ ترسان شدند \* پس همه کاهنان بزرگ و نویسندگان قوم را با هم  
 خواند واز آنها استفسار کرد که مسیح در کجا زائیده باید شد  
 ۵ \* گفتندش در بیت لحم یهودیه از آنجا که از پیغمبر چنین نوشته  
 ۶ شده است \* و توامی بیت لحم سر زمین یهودا در میان بزرگان  
 یهودا کوچک نیستی زیرا که از میان تو پیشوائی خواهد آمد که مر  
 ۷ قوم من اسرائیل را رعایت خواهد نمود \* آنگاه هیروویس بینهمانی  
 مجوسیان را نرو خویش خوانده زمان ظهور ستاره را از ایشان  
 ۸ استفسار نمود \* پس ایشان را به بیت لحم فرستاده گفت بروید  
 واز حالات آن طفل اطلاع تام بهم رسانید و چون اورا دریافته  
 ۹ باشید مرا مطلع سازید تا من آمده اورا پرستش کنم \* ایشان  
 گفته پادشاه را شنیده رو براه نهادند ناگاه ستاره که در ناحیه  
 مشرق دیده بودند در پیش رویشان می رفت تا آنکه آمده بر  
 ۱۰ جائی که طفل بود ایستاده شد \* پس چون ستاره را دیده بودند  
 ۱۱ در انتهای غایت خرسند گشتند \* و داخل در خانه شده طفل را  
 با مادر وی مریم یافتند پس بر زمین افتاده اورا سجود کردند  
 ۱۲ و مخازن خوراکشوره از طلا و کندر و مر باو پیشکش کنده اند \* واز  
 آنجا که در خواب ملهم شده بودند که بنزو هیروویس بازگشت  
 ۱۳ نکنند پس از راه دیگر بوطن خور برگشتند \* و چون که بازگشت  
 نمودند بودند ناگاه فرشته خداوند خور را در خواب بیوسف نمود  
 و گفت برخیز و طفل و مادرش را بگیر و بمصر فرار نما و در آنجا باش

تا تورا خبر دهم زیرا که هیروویس طفل را جست جو خواهد کرد  
 ۱۷ تا او را بکشد \* پس برخاسته طفل و مادرش را شبانگاه برواشت  
 ۱۵ روانه بمصر شد \* و تا وفات هیروویس در انجا می بود تا کامل شود  
 آنچه از خداوند بواسطه پیغمبر گفته شده بود که میگفت فرزند خورا  
 ۱۶ از مصر طلب کرده ام \* و چون هیروویس ملاحظه کرد که مجوسیان  
 او را استهزا نموده بودند بشدت غضبناک شد پس فرستاده  
 همه اطفال بیت لحم و همه توابع آن را از دو ساله و کمتر از آن  
 مقارن زمانی که از مجوسیان بدقت آگامی یافته بود بقتل رسانید  
 ۱۷ \* آنگاه کامل شد آنچه از ارمیای پیغمبر گفته شده بود که می گفت  
 ۱۸ \* در راه آوازی شنیده شد از زاری و گریه و فغان بسیار که راحیل  
 بر فرزندان خود می گریست و از تسلی کناره میجست چرا که پیدا  
 ۱۹ نبودند \* پس چون هیروویس وفات یافته بود نگاه فرشته خداوند  
 ۲۰ در خواب خورا بیوسف در مصر نمود \* و گفت برخیز و طفل  
 و مادرش را بگیر و بمرز و بوم اسرائیل روانه شو زیرا انانی که دشمن  
 ۲۱ جان طفل بودند وفات یافتند \* پس برخاست و طفل و مادرش را  
 ۲۲ برواشت و بمرز و بوم اسرائیل آمد \* و چون شنید که ارکلاؤس در  
 بهر وی تسلط یافته بر جای پدر خود هیروویس نشسته است از رفتن  
 بانسو ترسان گشت و در خواب ملهم شده بنواحی جلیل انعطاف  
 ۲۳ نمود \* و در بلدی که نام آن ناصره است آمده ساکن شد تا آنچه  
 بواسطه پیغمبران گفته شده بود کامل شود که بناصری موسوم  
 خواهد شد



باب سیم

- ۱ اندر آن ایام یحیی تعمید دهنده در بیابان یهودیه ظاهر گشت و وعظ
- ۲ می نمود و می گفت \* که توبه کنید که مملکت آسمان نزدیک است
- ۳ \* زیرا که همین است آنکه بواسطه اشعیا پیغمبر مذکور شده بود
- که می گفت در بیابان آواز فریاد کننده ایست که طریق خداوند را
- ۴ مهیا سازید و راهش را درست گردانید \* و خود یحیی را لباس از
- پشم شتر بود و کمربند چرمی کرد و کمربندش می بود و خوراک وی از ملح
- ۵ و غسل بر می میسود \* آنکه ساکنان اورشلیم و جمیع یهودیه و تمام آن
- ۶ مرز و بوم که حوالی اردن است بنزد وی آمدند \* و بکنایان خود
- ۷ اعتراف کرده در اردن غسل تعمید از وی یافتند \* و چون
- مشاهده کرد که جمیع از فریستیان و زاد و وقتیان از بهر غسل تعمید
- وی می آمدند بایشان گفت که ای افعی زاده! کیست آنکه شمارا
- ۸ خبر داده است که از غضب آینده گریزید \* حال ثمرات مناسب
- ۹ توبه بیارید \* و در دل‌های خود اندیشه مکنید که ما ابراهیم پدر است
- زیرا که من بشما میگویم که خدا قادر است که ابراهیم را ازین سنگها
- ۱۰ فرزند ان برانگیزاند \* و حال آنکه تیشه بر بیخ درختان گذاشته شده
- است پس هر درختی که ثمره نیکو ندارد بریده و در آتش افکنده
- ۱۱ شوو \* من شمارا از بهر توبه باب غسل میدهم اما آنکه پس از من
- می آید از من توانا تر است چنانکه من لایق بهرواشتن نعلین او
- ۱۲ نیستم او شمارا بروح القدس و آتش غسل خواهد داد \* او ست
- آنکه طبقی در دست می دارد و خرمن گاه خور را بر سیبیل کمال
- پاک خواهد نمود و کدم را در انبار جمع خواهد نمود و گاه را در آتشی

۱۳ که اطفا پذیر نبوو خواهد سوزانید \* آنکاه عیسی از جلیل بارون  
 ۱۴ نزد یحیی آمد تا آنکه از وی تعمید یابد \* و یحیی اورا ممانعت نمود  
 و گفت بر من لازم است که از تو تعمید یابم و تو نرو من می آئی  
 ۱۵ \* عیسی در جواب وی گفت که الحال بگذار که مارا همین مناسب  
 است تا آنکه همه راستی بسر حد کمال رسانیم پس اورا بگذارشت  
 ۱۶ \* و عیسی غسل تعمید یافته بی تأمل از آب بیرون آمد که ناگاه  
 آسمان از بهر وی شکافته شد و روح خدارا دید که مانند کبوتری  
 ۱۷ نرول می نماید و بروی فرود آمد \* ناگاه آوازی از آسمان رسید باین  
 مضمون که این است فرزند محبوب من که از او خوشنوموم

باب چهارم

۱ آنکاه عیسی از قوت روح به بیابان بروه شد تا ابلیس اورا امتحان  
 ۲ نماید \* پس چهل شبان روز روزه داشته عاقبت الامر کرسنه گردید  
 ۳ \* آنکاه امتحان کننده نرو وی آمده گفت که اگر فرزند خدائی بفرا  
 ۴ تا این سنگها نان شوو \* در جواب گفت نوشته شده است که  
 انسان نه بمحض نان زنده خواهد بوو بلکه بهر کلمه که از زبان  
 ۵ بیرون صادر کرود \* آنکاه ابلیس ببله مقدسه بروش و برکنکره  
 ۶ هیکلش ایستاده نمود \* و باو گفت اگر فرزند خدا هستی خور را بریر  
 انداز از آنکه نوشته شده است که او مملیکه خور را از بهر تو فرمان  
 می دهد که ایشان ترا بر دست نامی خوو برمی دارند مبادا پایی  
 ۷ تور را بر سنگی بزنی \* عیسی باو گفت که نیز مکتوب است که آن  
 ۸ خداوند کاری را که خدای تست تجربه مکن \* بار دیگر شیطان اورا  
 بکوه بسیار بلندی برو و تمامی ممالک دنیا و جلال آنها را بر وی

- ۹ نشان داد \* و با او گفت همه این اشیا را بتو خواهم بخشید اگر
- ۱۰ مرا سجده نمائی \* آنگاه عیسی بومی گفت دور شو ای شیطان که
- مسطور است اینکه آن خداوند کاریرا که خدای تست پرستش
- ۱۱ بکن و غیر او را عبادت مکن \* پس ابلیس او را بکذاشت که
- ۱۲ نگاه ملکی چند آمده خدمتش کردند \* و چون که عیسی استماع نمود
- ۱۳ که بچی گرفتار شده بجلیل بازگشت نمود \* و ناصره را رها کرده
- در کفر ناحوم از کنار دریا بسمت زابلون و نفتالیم آمده ساکن شد
- ۱۴ \* تا کامل شود آنچه بواسطه اشعیا پیغمبر گفته شده بود که می
- ۱۵ گفت \* ارض زابلون و زمین نفتالیم از راه دریا آنطرف اردن
- ۱۶ که جلیل قبایل است \* آن گروهی که در ظلمت نشسته بودند
- نور عظیمی را مشاهده نمودند و بر آن با که در نشیمن و ظلمت
- ۱۷ مرک نشسته بودند روشنی درخشان کرید \* از آن روز عیسی
- شروع نمود بندا کردن و گفتن که توبه کنید که مملکت آسمان نزدیک
- ۱۸ است \* و در آن حالتی که عیسی بر کنار دریای جلیل گردش می
- کرد دو برادر را یعنی شمعون مستمی پطرس و برادر او اندریاس را
- ۱۹ دید که دام در دریا می اندازند از آنجا که ماهی گیر بودند \* پس
- بان با گفت در عقب من بیایید که من شما را آدم گیر می کنم
- ۲۰ \* بی تامل دامهارا رها کردند و از پی او روان شدند \* و از آنجا
- پیش رفته دو برادر دیگر را یعنی یعقوب ابن زبیدی و برادر او
- یوحنا را دید که در کشتی با پدر خود زبیدی نشسته و دام های خویش را
- ۲۱ اصلاح می کردند آنها را طلب نمود \* ایشان بسرعت سفینه و پدر
- ۲۲ خود را ترک نموده در عقب او روان شدند \* و عیسی در همه جلیل

کشته در مجامع آنها تعلیم می کرد و ببشارت ملکوت اعلام می نمود  
 و از هر قسم مرضی و هر نوع رنجی که در آن مردم بود شفا می بخشید  
 ۱۷ \* و آواز وی در تمام سرزمین سر یا پیچید و مجموع خداوندان امراض  
 که بر آنها و در دمای مختلفه مبتلا بودند و مجانین و مصروعین  
 ۲۵ و صاحبان فالج را نزد وی آوردند و آن بار شفا بخشید \* و جماعت  
 بسیاری از جلیل و مداین عشر و اورشلیم و یهودیه و آن طرف  
 اردن بتعاقب وی روان شدند

باب پنجم

- ۱ و چونکه آن طوایف را مشاهده نمود بر بالای کوهی بر آمده و چون
- ۲ نشسته بود شاگردان وی نزوش حاضر شدند \* پس لب خورا
- ۳ بتکلم کشاوه ایشان را تعلیم نمود و گفت \* خوشا حال آنان که در
- ۴ روح مسکین اند زیرا که ملکوت آسمان از آن آنست \* خوشا
- ۵ حال آنان که حترین هستند بجهت آنکه تسلی خواهد یافت
- ۶ \* خوشا حال او فتاده کان از آنکه وارث زمین خواهد شد \* خوشا
- ۷ حال آنان که کرسنه و تشنه راستی اند که سیر خواهد کردید \* خوشا
- ۸ حال ترخم کننده کان که ترخم کرده خواهد شد \* خوشا حال پاک
- ۹ دلان که ایشان خدا را خواهد دید \* خوشا حال صلح کننده کان از
- ۱۰ آنجا که فرزندان خدا خوانده خواهد شد \* خوشا حال آنان که از برای
- راستی زحمت می کشند بسبب آنکه مملکت آسمان از آن
- ۱۱ آنهاست \* خوشا حال شما چون شمارا فحش دهند و زحمت
- رسانند و کافران هر قسم سخنان ناشایسته در حق شما از بهر من
- ۱۲ گویند \* شما باشید و وجد نمائید که اجر شما بر آسمان عظیم است که

۱۳. بهمین طریق انبیائی را که پیش از شما بودند زحمت و اذیت شماستید نمک زمین و هرگاه نمک فاسد شود بکدام چیز نمکین خواهد کردید بلکه مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنده شود و پایال مردم گردد
۱۴. شماستید روشنی عالم شهری که بر بالاسی کوه بنا شده باشد پنهان نمی تواند شد \* و هرگز چراغ افروخته را در زیر پیمانۀ نگذارند بلکه بالاسی چراغدان نهند آنگاه همه کسانیکه در آن خانه اند روشنائی بخشد
۱۴. \* باید که روشنی شما بر مردم چنان تجلی نماید تا آنکه اعمال حسنه شمارا به بینند و اسم پدر شمارا که در آسمان است تمجید نمایند
۱۷. \* تصور مکنید که من از بهر ابطال تورات و رسایل انبیا آمده ام
۱۸. از جهت ابطال نه بلکه بجهت تکمیل آمده ام \* که راست بشما می گویم تا آنکه آسمان و زمین زایل نشود یک همزه یا یک نقطه از شریعت بهیچ وجه زایل نخواهد گشت تا آنکه همه کامل نشود
۱۹. \* پس هر کسی که یک حکم از این احکام صغارا سست نماید و مردم را بهمان معنی تعلیم نماید در ملکوت آسمان صغیر شمرده خواهد شد اما هر کسیکه بعمل آورد و تعلیم نماید در مملکت آسمان
۲۰. کبیر خوانده خواهد شد \* زیرا که بشما می گویم تا انتقامی شما بر انتقامی کاتبان و فریسیان نیفراید بهیچ نحو داخل ملکوت آسمان نخواهید
۲۱. شد \* شنیده اید که بمتقدمین گفته شده است که قتل مکن و هر
۲۲. کسی که قتل کند مستوجب قضا خواهد شد \* لیکن من بشما می گویم که هر کس که بر برادر خود بی سبب غضب نماید مستلزم قضا خواهد گشت و هر کسی که بر برادر خود را کافر گوید مستلزم شورا خواهد کردید اما هر کس که به برادر خود احمق بگوید مستحق آتش و وزخ

- ۲۳ خواهد بود \* پس اگر هدیه خورا در قربان گاه بیآوری و در آنجا  
 ۲۴ بخاطرت آید که برادر تو از تو کله منداست \* هدیه خورا پیش  
 قربانگاه ربا کن و رفته اول با برادر خود صلح کن بعد از آن آمده  
 ۲۵ هدیه خورا بکنران \* با مدعی خود تا با او در راه هستی بروی  
 صلح نما مبادا که آن مدعی تو را حواله قاضی نماید و قاضیت بسرهنک  
 ۲۶ سپارد و در زندان افکنده شوی \* بتحقیق که با تومی کویم تا فلس  
 ۲۷ آخری را ادا نمائی هیچ و جاز آن مکان بیرون خواهی رفت \* شنیده  
 ۲۸ آید که بارباب زمان سلف گفته شده است که زنا مکن \* لیکن  
 من بشما می گویم هر کسی که برزنی از روی خواهش نظر اندازد  
 ۲۹ در هماندم در قلب خود باو زنا نموده است \* پس اگر چشم راست  
 تو مر تو را بلغزانند قلعتش کن و از خویشش برافکن ازین جهت  
 که تو را سوومند تر آنست که یک عضوی از اعضای تو تباہ شود  
 ۳۰ و تمام جسدت در ووزخ افکنده نشود \* و اگر که دست راست تو  
 مر تو را بلغزانند قطعش کن و از خویشش برانداز زیرا که از برای  
 تو فائده مند تر آنست که یک جزوی از اجزای تو تباہ گردد و همگی  
 ۳۱ بدنت در جهنم انداخته نشود \* گفته شده است که هر کس که  
 ۳۲ زن خورا مفارقت نماید خط طلاق را باو بدهد \* لیکن من بشما می  
 گویم که هر کس که منکوحه خورا بغیر علت زنا جدا گرداند او را بزنا  
 گردان برانگیزد و هر کس که آن مطلقه را در نکاح خود آورد مرتکب  
 ۳۳ زنا می شود \* باز شنیده آید که باهل ایام سابق گفته شده است  
 ۳۴ که بکذب سوکند مخور بلکه سوکند با می خور با به خداوند وفا کن \* لیکن  
 من بشما می گویم مطلقا قسم نباید خورد نه باسما ن از آنکه کرسی

- ۳۵ خداست \* ونه بر مین زیرا که مطرح قدم اوست ونه باورشلیم بنا بر
- ۳۶ آنکه مدینه ملک عظیم است \* ونه بسر خود سو کند یاد کن زیرا که
- ۳۷ نمی توانی یک موی را سفید یا سیاه نمائی \* لیکن بگذارید که مکالمه  
شما باری آری ونی نی واقع شود بجهت آنکه هر چه از آن زیاده
- ۳۸ تراست از شریر است \* شنیده اید که گفته شده است که
- ۳۹ چشمی عوض چشمی و زندانی بدل زندانی \* لیکن من بشامی گویم  
که با شریر مقاومت مکنید بلکه هر کس که بر خساره راست تو
- ۴۰ طباچه زند رخساره و پیرا بسوی او بگردان \* و اگر کسی بخواهد که  
بر تو اذیت نماید و خواهد که پیراهنت را اخذ نماید قبایت را نیز از بهر
- ۴۱ وی ترک کن \* و هر کس که تو را بر فتن یک میل راه مجبور نماید
- ۴۲ دو میل با وی ساعی باش \* هر کس که از تو سوال کند با و به
- ۴۳ بخش و از آنکه قصد قرض از تو دارو بر مکرو \* شنیده اید که گفته  
شده است دوست خویش را محبت کن و دشمن خویش را
- ۴۴ بغض نما \* لیکن من بشامی گویم که اعدای خود را دوست بدارید  
و از برای آنها که بر شما لعن می کنند برکت طلبید و با آنان که  
شمارا عداوت می نمایند احسان کنید و از بهر آنها که شمارا فحش  
می دهد و زحمت می نمایند دعا کنید تا پدر خود را که در آسمانست
- ۴۵ فرزندان باشید \* زیرا که او آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع
- ۴۶ می نماید و باران خود را بر عادلان و ظالمان می فرستد \* که اگر آنها را  
دوست دارید که شمارا دوست می دارند چه اجر خواهد یافت آیا
- ۴۷ عشاران چنین نمی کنند \* و اگر بر برادران خود فقط سلام می نمائید
- ۴۸ از و بکیران چه افزون کرده اید آیا عشاران چنان نمی نمایند \* پس

کامل باشید چنانچه پدر شما که در آسمانست کامل است

باب نیشم

- ۱ احتیاط کنید تا صدقه خور را پیش روی مردم ندهید که آنرا ببینند
- ۲ و اگر نه بنزد پدر خود که در آسمانست اجر نخواهید داشت \* پس هرگاه که صدقه می دهی پیش خود در کرنا منواز چنانکه ریاکاران در مجامع و بازارها می کنند تا آنکه در نزد مردم محترم گردند بشما راست می گویم که اجر خود را تمام تحصیل نموده اند \* بلکه چون صدقه می دهی باید که دست چپت از آنچه دست راست تو می کند خبر نشووی \* تا صدقه تو در خفا باشد و پدر تو که در خفا می بیند
- ۵ علانیه تو را جزا خواهد داد \* و چون ناز گذاری هم چو ریاکاران مباش زیرا که ایشان خوش دارند که در مجامع و سر کویها ایستاده ناز گذارند تا آنکه در نظر مردم باشند بشما راست می گویم که آنها اجر خود را یافتند \* لیکن تو چون ناز می کنی در حجره خود داخل شو و در را محکم بسته پدر خود را که در خفاست ناز بگذار و پدر تو که نهانی می بیند تو را آشکارا جزا خواهد داد \* لیکن هرگاه که ناز کنید مانند مردم قبایل کلمات زایده مگوئید زیرا که آنها تصور می نمایند که
- ۸ جهت زیاد گفتن ایشان مسموع خواهد شد \* پس مثل آن ها مباشید که پدر شما بان چیزها که شمارا ضرور است عالم است
- ۹ پیش از آنکه از وسوال نائید \* پس بر این طریق دعا نائید شما که
- ۱۰ اسی پدر ما که در آسمانستی نام تو مقدس باد \* ملکوت تو بیایاد
- ۱۱ و ارادت تو چنانکه در آسمانست بر زمین نافذ باد \* نان روزینه
- ۱۲ ما را درین روز ما به بخش \* و آن چنان که قرضداران خود را می



- ۱۳ بخشیم قرض های ما را با به بخش \* و ما را در معرض آزمایش  
 میاور بلکه از شریر خلاصی ده زیرا که ملک و قدرت و جلال تا ابد  
 ۱۴ از آن تو است آمین \* که هرگاه تقصیرات مردم را بایشان به  
 ۱۵ بخشید پدر آسمانی شما شمارا خواهد بخشید \* اما چنانچه جرایم مردم را  
 ۱۶ نه بخشید پدر شما نیز جرایم شمارا خواهد بخشید \* چون روزه روید  
 مانند ریاکاران کشیده رو مباحشید که صورت خویش را متعجب  
 کنند تا در نظر مردم روزه دار نمایند بدرستی که من بشما می گویم  
 ۱۷ که ایشان اجر خود را گرفته اند \* لیکن تو هرگاه روزه روی سر خود را  
 ۱۸ چرب کن و روی خویش را بشوی \* تا در نظر مردم روزه دار نه نمائی  
 بلکه در نظر پدر خود که در خفا میباشد و پدر نهان بین تو مرتورا  
 ۱۹ آشکارا جزا دهد \* و در زمین برای خود کنج مکنارید جائی است  
 ۲۰ که بید و زنک زبان رساند و وزدان سوراخ کنند و بپزند \* بلکه بر  
 آسمان برای خود کنج نهید جائیکه نه بید و نه زنک زبان نرساند  
 ۲۱ و وزدان سوراخ نه کنند و وزدی نه نمایند \* زیرا که جائیکه خراته شما  
 ۲۲ باشد دل شما نیز در آنجا خواهد بود \* چشم روشنی جسد است  
 پس هرگاه چشم تو مجزو باشد همگی جسمت روشن خواهد بود  
 ۲۳ \* لیکن اگر دیده تو فاسد باشد تمام بدنت تاریک خواهد بود  
 پس اگر آن روشنی که در تو هست ظلمت شود چه قدر تاریکی  
 ۲۴ عظیم خواهد بود \* هیچ کس و واقارا خدمت نمی تواند کرد از آنکه  
 با یکی عداوت خواهد کرد و دیگری را محبت و یا یکی خواهد چسپید  
 و دیگری را حقیر خواهد شمرد پیش خدا و مومنانا عبادت نمی توانید  
 ۲۵ کرد \* از اینجاست که شمارا میگویم از بهر حیات خود متفکر مباحشید

که آیا چه خواهید خورد یا چه خواهید نوشید و نه از هر جسده خود که چه  
 خواهید پوشید آیا که حیات از غذا و بدن از لباس بهتر نیست  
 ۲۶ \* مرغان هوارا ملاحظه نمائید که نه زراعت می کنند و نه حصار و نه در  
 انبار جمع می کنند و پدر آسمانی شما آنها را رزق میرساند آیا که  
 ۲۷ چنین مرتبه افضل از آنها نیستید \* آن کیست از شما که بفکر  
 ۲۸ تواند یک ذره بر قامت خود افزایش دهد \* و دیگر بچه سبب از هر  
 لباس فکر می کنید سوسن های چمن را تصور نمائید که چگونه بخورد  
 ۲۹ می بالند \* با آنکه نه تعب میکشند و نه میریزند \* و من بشما می  
 گویم که سلیمان هم با آنها جلال مانند یکی از آنها متلبس نشده  
 ۳۰ بود \* پس هرگاه که خدا علف صحرا را که امروز موجود است و فردا  
 در تنور افکنده شود چنان مخلع میسازد اسی کم اعتقادان آیا که  
 ۳۱ بطریق اولی شما را کسوت نخواهد داد \* پس در فکر مباشید و مکتوبید  
 ۳۲ که چه خوریم یا چه نوشیم یا بکدام چیز پوشیده شویم \* از آنکه تمامی  
 این چیزها است که قبائل طلب می کنند و پدر آسمانی شما خبر  
 ۳۳ دارد که همه این چیزها محتاجید \* پس اول ملکوت خدا و عدلش را  
 ۳۴ طلب نمائید که همه این چیزها از برای شما زیاد خواهد شد \* پس  
 از برای فردا فکر مکنید از آنکه فردا خود در باره خویش فکر خواهد  
 نمود و امروز را ازین امروز کافی است

باب هفتم

۲ حکم مکنید تا بر شما حکم نشود \* زیرا که بان طریق که حکم می کنید  
 حکم بر شما خواهد شد و بهمان پیمان که می پیمائید از برای شما پیموده  
 ۳ خواهد شد \* و چرا آن خس را که در چشم برادر تست می بینی

- ۴ و آن شهتیری که در دیده خود واری نمی یابی \* و چونست که برادر خود را میکوشی که مرا رخصت ده تا خس را از چشم تو بیرون کنم
- ۵ و حال آنکه در دیده تو شهتیری هست \* امی مزور اول شهتیر را از چشم خود بیرون کن آنکه بکمال بینائی آن خس که در چشم برادر تست توانی بیرون آورد \* آنچه مقدس است بسکان مدهید و مروری بای خود را در پیش کز آن میندازید مباد که آنها را پایمال نمایند و باز کشته شمارا بزدند \* سوال نمائید که بشما داده خواهد شد
- نقحص کنید که خواهید یافت بگوید در را که از برای شما کشاده خواهد شد \* زیرا هر کسی که سوال نماید تحصیل نماید و کسی که جست جو نماید یابد و از برای آنکه در را بگوید کشاده خواهد شد
- ۹ \* کیست از شما که اگر فرزندش از و نان طلبد او را سنک دهد
- ۱۱ \* یا اگر ماهی خواهش کند ماری باو بخشد \* پس هرگاه شما که اشرارید طریق بخشیدن چیزهای نیکو را با و خود بدانید پدر شما که در آسمانست چندین مرتبه افزون تر بکسانی که از و سوال نمایند
- ۱۲ عطا می نیکو خواهد نمود \* پس هر چه خواهش دارید که مردم با شما بعمل آرند همان طریق با ایشان سلوک نمائید که همین است
- ۱۳ شریعت و رسایل رسل \* از در تنگ داخل شوید بجهت آنکه فراخست آن در و وسیع است آن طریقی که مؤوی بهلاکت باشد و داخل شونده کان آن بسیارند \* زیرا که تنگ است آن در و صعب است آن راه که بزنده گانی می رساند و یابنده کان
- ۱۵ آن کم اند \* از انبیا کاذب احتیاط نمائید که نزد شما بلباس میشی
- ۱۶ می آیند و حال آنکه در باطن کرکان درنده اند \* آنها را از شمرا

- آنها خواهید شناخت آیا که انکور را از خار و اجیر را از خسک می  
 ۱۷ چینه\* هم بر این قیاس هر درخت خوب میوه‌های نیکو دهد  
 ۱۸ و درخت پست ثمرت فاسد می آورد\* هیچ درخت خوب نتواند  
 ۱۹ که میوه‌های بد آورد و نه شجره پست تواند که ثمرات نیکو آورد\* هر  
 ۲۰ درخت که ثمره نیکو ندهد بریده و در آتش افکنده شود\* غرض  
 ۲۱ آنکه از ثمرات آنها مرانهارا توانید شناخت\* نه هر که مرا خداوند  
 خداوند گوید در ملکوت آسمان داخل خواهد گشت بلکه آنکس  
 ۲۲ که اراده پدرم که در آسمانست بعمل آورد\* و در آنروز بسا کسانی  
 که بمن خواهند گفت خداوند خداوند آیا باسم تو نبوت نمودیم و بنام  
 تو شیاطین را بیرون نکردیم و بنام تو خوارق عادات بسیار ظاهر  
 ۲۳ ساختیم\* آنکه ایشان خواهیم گفت که من شمارا هرگز نمی  
 ۲۴ شناختم از من دور شوید ای بدکاران\* بنابراین هر که این گفته‌های  
 مرا استماع نماید و آنها را بعمل آورد او را بمر و انائی تشبیه خواهیم نمود  
 ۲۵ که خانه خور را بر سنگ بنا کرده است\* پس باران بیاید  
 وسیلابها روان شدند و بادها وزیدند و بر آن خانه حمله نمودند و خراب  
 ۲۶ نشد از جهت آنکه بر سنگ بنا شده بود\* و هر که این کلمات مرا  
 گوش کند و بر آنها عمل نکند بمر و جاهلی ماند که خانه خور را بالای  
 ۲۷ یک بنا کرده است\* پس باران بیاید وسیلابها روان شدند  
 و بادها وزیدند و بر آن خانه حمله نمودند و منهدم شد و انهدام وی عظیم  
 ۲۸ بود\* و چونکه عیسی این کلمات را تمام ساخت آن گروه از تعلیم او  
 ۲۹ مبهوت شدند\* زیرا که ایشانرا از رومی قدرت تعلیم میکردند

مثل نویسنده کان

## باب هشتم

- ۱ و چون از کوه بزیر آمد طوایف بسیاری از عقب او روان شدند
- ۲ \* و ناگاه ابرصی پیش آمده اورا سجده نمود و گفت خداوند اکر اراده
- ۳ نمائی مرا طاهر توانی ساخت \* عیسی دست خور را دراز نمود و اورا لمس کرده گفت اراده کردم طاهر باش که فوراً برص او زایل
- ۴ شد \* پس عیسی باو گفت احتیاط نما هیچ کس را مطلع مکن بلکه بر گرو و خور را بگاهن نموده آن قربانی را که موسی فرموده است
- ۵ بعمل آور تا شهادتی باشد بجهت آنها \* و چونکه عیسی داخل
- ۶ کفرناحوم گردید یوز باشی بخدمتش آمده از وی التماس نمود \* و گفت خداوند بدرستی که ملازم من بخانه خوابیده و بمرض رعشه بشدت
- ۷ الم مبتلا است \* عیسی باو گفت من آمده اورا شفا خواهم بخشید
- ۸ \* پس یوز باشی جواب گفت خداوند بتحقیق که سزاوار آن نیستم که در زیر سقف من آئی بلکه بگلمه تلفظ کن و پس که ملازم
- ۹ من صحت خواهد یافت \* از آنکه من مردی محکوم و بگیری هشتم و لشکریان در تحت خود دارم و هرگاه باین شخص میکویم برو
- میرود و بدگیری بیا می آید و بملازم خود که این کار را بکن میکنند
- ۱۰ \* و عیسی اتمقوله را شنیده تعجب نمود و بانها که همراه او بودند فرمود بدرستی که بشما میکویم که اینچنین اعتقاد عظیمی را در اسرائیل هم
- ۱۱ نیافته ام \* و بشما میکویم که بسا کسانیکه از مشرق و مغرب خواهند آمد دور ملکوت آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند
- ۱۲ نشست \* و اینهای ملکوت در ظلمت بیرونی افکنده خواهند شد
- ۱۳ که کریستن و فشار دندان در آنجا خواهد بود \* پس عیسی بیوز باشی

فرمود که برگرد که برو فوق اعتقاد تو بتو واقع شود در ساعت ملازم  
 ۱۲ وی صحت یافت \* و چون که عیسی بمسکن پطرس آمده مادر  
 ۱۵ زنش را دید افتاده و بمرض تب مبتلا بود \* پس دستش را مس  
 نموده تب او زایل شد آنگاه برخاسته بخدمت آنها مشغول گردید  
 ۱۴ \* و چون وقت شام شد دیوانگان بسیار را بنزد وی آوردند و بمحض  
 ۱۷ کلمه ارواح را از ایشان بیرون کرده همگی را شفا بخشید \* تا کامل  
 شود آنچه بواسطه اشعیاء پیغمبر گفته شده بود که می گفت او خور  
 ۱۸ سستیهای ما را گرفت و او بیماری ما را برداشت نمود \* و چونکه عیسی  
 ملاحظه نمود که جمع کثیری گرداگرد او هستند فرمان داد تا بجانب  
 ۱۹ دیگر روند \* که یک کاتبی پیش آمد و گفت ای استاد بهر جایی که  
 ۲۰ بروی تو را متابعت خواهم نمود \* پس عیسی باو گفت روبان را  
 سوراخها و مرغان هوارا نشیمنهاست و فرزند انسان را جایی سر  
 ۲۱ نهادن نیست \* و دیگری از شاگردان او گفت خداوند مزارخت  
 ۲۲ ده تا اول بروم و پدر خود را دفن نمایم \* عیسی باو گفت که متابعت  
 ۲۳ من کن و بگذار تا مرده کان مرده کان خود را دفن نمایند \* و چون که  
 ۲۴ در کشتی سوار شد شاگردان او از پی او روان شدند \* ناگاه تلاطم  
 عظیم در دریا پیدا شد بطریقش که آن کشتی در امواج پنهان شد  
 ۲۵ و او خوابیده بود \* پس شاگردان او پیش آمده و او را بیدار نموده  
 ۲۶ گفتند خداوند ما را دریاب که هلاک شدیم \* بانها گفت ای مردم  
 کم ایمان از برای چه خوف دارید پس برخاسته باو و دریا را منع  
 ۲۷ فرموده آرام کامل پیدا شد \* و آن اشخاص تعجب کرده گفتند  
 این چه نوع بشریست که باو و امواج دریا او را اطاعت می کنند

۲۸ \* چون که در آنطرف بسرحد کز کستیان آمد دو دیوانه در نهایت  
 شدت چنانچه هیچ کس از آنراه عبور نمی توانست کرد از مقابل  
 ۲۹ بیرون آمده او را ملاقات نمودند \* ناگهان خروشان گفتند ما را با تو  
 چه علاقه است ای عیسی ابن الله مگر آمده که ما را قبل از زمان  
 ۳۰ معین عذاب بمانی \* و بود دور از آنها کله کراز بسیاری که میچیزند  
 ۳۱ \* که آن دیوان از وی التماس نموده گفتند هرگاه ما را بیرون کنی  
 ۳۲ اجازت ده تا در آن کله کراز برویم \* بانها گفت بروید پس آنها  
 بیرون آمده در کله کراز رفتند که ناگاه مجموع آن کله کراز از کمر کوه  
 ۳۳ بدریا جستند و در میان آب تباہ شدند \* و نگاهبانان آنها منہزم  
 شده داخل شهر گشتند و تمام سرگذشت و ماجرای آن دو مجنون را  
 ۳۴ ظاهر نمودند \* ناگاه تمام اهل شهر از برای ملاقات عیسی بیرون  
 آمدند و او را مشاهده نموده از وی التماس می کردند که از حدود  
 آنها بیرون رود

باب نهم

۲ پس در کشتی نشسته باینطرف عبور نموده بشهر خویش درآمد که  
 ناگاه مفلوجی را که بر بستر خوابیده بود بنزد وی آوردند چون عیسی  
 آنها را ملاحظه نموده مفلوج را فرمود که ای فرزند خاطر جمع باش که  
 ۳ کنایان تو آمرزیده گردید \* و تنی چند از کاتبان با خود گفتند که این  
 ۴ شخص کفر میگوید \* و عیسی تصورات آنها را درک نموده گفت  
 ۵ از بهر چه این خیالات فاسد را در دل خود راه میدهید \* آیا که  
 کدام اسهل است گفتن که کنایان تو آمرزیده شد یا که برخیز  
 ۶ و روانه شو \* لیکن تا بدانید که فرزند انسان را در روی زمین

- ۶ استطاعت آمرزش کنانان هست پس مفلوج را فرمود که برخیز  
 و فراش خود را برداشته بمکان خویش روان شو\* و او برخاسته بمکان  
 ۸ خود روان گردید\* و چون جماعت آن عمل را ملاحظه نمودند تعجب  
 کرده خدا را تمجید نمودند که این نوع اقتداری را بانسان عنایت  
 ۹ فرموده است\* چون عیسی از آنمکان گذشته بود شخصی را مستمی  
 بمتی دید که بر باجگاه نشسته است و پراگفت که مرا متابعت نما و او  
 ۱۰ برخاسته بعقب وی روان شد\* و چون عیسی در خانه وی بجهت  
 غذا خوردن قرار گرفت اتفاقا بسیاری از باج کیران و کناه کاران  
 ۱۱ آمده با عیسی وتلامیذش نشستند\* چون فریسیان این را  
 مشاهده نمودند تلامیذ و پراگفتند که چونست که معلم شما با راهد  
 ۱۲ اران و کناه کاران طعام میخورد\* و عیسی آن سخن را شنیده  
 ایشانراگفت آنانی که تن درست میباشند محتاج بطیبی نیستند  
 ۱۳ بلکه آنان که بیمارند محتاجند\* لیکن شما رفته مضمون این کلام را  
 بفهمید که رحمت میخواهم نه قربانی زیرا که بجهت آن نیامده  
 ۱۴ ام که عادلانرا دعوت نمایم بلکه تا عاصیانرا بسوی توبه بخوانم\* در آن  
 هنگام شاکردان یحیی نرد وی آمده گفتندش که چونست که ما  
 ۱۵ و فریسیان مکرر روزه می داریم و شاکردان تو روزه نمی گیرند\* عیسی  
 ایشانرا فرمود که آیا تواند شد که انبای بیت التور و غمگین شوند  
 ما و امی که و اما و با ایشانست لیکن آنروزنا آید که و اما و از ایشان  
 ۱۶ گرفته شود آنگاه صایم خواهند گردید\* هیچ کس بر پیراهن کهنه پارچه  
 کریاس نورا پیوند نمیکنارد زیرا که آنچه از بهر تکمیل با و ملحق می  
 ۱۷ شود آن پیراهن را نقصان می نماید و دریده کسی قبیح تر می گردد\* و نه



- باوۀ نورا در مشکهای کهنه میریزند و الا آن مشکها دریده و باوہ  
 ریخته شوو و مشکها معدوم کردو بلکه شراب نورا در مشکهای نو  
 ۱۸ می ریزند و هر دو محفوظ می مانند \* و از اتمقوله با آنها سخن میراند  
 که ناکاه رئیس آمده وی را سجور نموده گفت که در اینوقت دختر  
 من مرده است لیکن اگر تو آئی و دست خود را بروی نهی زنده  
 ۱۹ خواهد کردید \* پس عیسی برخاسته با شاگردان خود بعقب وی  
 ۲۰ روان شد \* ناکاه زنی که از دوازده سال بمرض جریان خون  
 مبتلا می بود از پشت سر وی آمده و امن قبایش را مس نمود  
 ۲۱ \* زانرو که با خود اندیشیده بود که اگر همین قبایش را مس نمایم  
 ۲۲ شفا خواهم یافت \* پس عیسی متوجه گردیده و او را ملاحظه فرموده  
 گفت ای دختر خاطر جمع باش که اعتقاد تو مر تو را نجات بخشید  
 ۲۳ و از همانساعت ان زن رستگار گردید \* چون عیسی بخانه رئیس در  
 ۲۴ آمده نوحه سنجان و مردم را وحشت کنان مشاهده نمود \* ایشانرا  
 گفت راه دهید که دختر نموده است بلکه خوابیده است و ایشان  
 ۲۵ وی را تمسخر نمودند \* و چون آن جمعیت بیرون کرده شد داخل  
 ۲۶ کشته دست دختر گرفته و او برخاست \* و آوازۀ آن در تمام آن  
 ۲۷ مرز و بوم پیچید \* در حینی که عیسی از آنمکان عبور می نمود که دو مرد  
 نابینائی بعقب وی روان شده فریاد کنان میگفتند که ای فرزند  
 ۲۸ داوود بر ما رحم کن \* چون بخانه رسید آن دو نابینا بخدمتش آمده  
 عیسی آنها را فرمود که آیا اعتقاد می نمائید که قابلیت کردن این  
 ۲۹ عمل را دارم گفتند خداوند آری \* پس عیسی دیده های آنها را مس  
 ۳۰ نموده گفت بر وفق اعتقاد شما بشما کرده شوو \* که چشمان آنها باز

کشته و عیسی بتاکید فرمود که احتیاط نمائید تا هیچ کس مطلع نگردد  
 ۳۱ \* و ایشان بیرون رفته در تمامی آن مرز و بوم آنرا مشهور گردانیدند  
 ۳۲ \* و چونکه آنها بیرون رفتند نگاه کنک دیوانه را بخدمتش آوردند  
 ۳۳ \* و بعد از اخراج نمودن جن را کنک گویا گردید و مجموع آن گروه  
 تعجبت نموده گفتند گاهی اینچنین چیز در اسرائیل مشاهده نشده  
 ۳۴ \* بود \* لیکن فریسیان گفتند که جنیانرا بوساطت تبرک اجنه اخراج  
 ۳۵ \* مینماید \* عیسی در تمامی شهرها و قرا سیر می نمود و در مجامع آنها تعلیم  
 میداد و ندا بمتروه ملکوت می نمود و از هر مرض و هر زحی که در خلق  
 ۳۶ \* میبود شفا می بخشید \* و آن طوایف را ملاحظه فرموده بر احوال  
 ایشان ترحم نمود و زانرو که مانند کوسفند ان بی شبان ضعیف  
 ۳۷ \* و پریان بوزند \* پس تلامیند خویش را فرموده که زراعت بسیار  
 ۳۸ \* است لیکن کارکننده کان کم اند \* پس خداوند کشت را استدعا  
 نمائید تا کارکننده کانرا در زراعت خود روانه نماید

باب دهم

۱ پس دوازده شاگرد خود را طلب فرموده ایشانرا بر ارواح پلیده  
 قدرت داد تا آنکه ایشانرا اخراج نمایند و اینکه از هر مرضی و زحی  
 ۲ شفا بخشند \* و اینست آسماء آن دوازده حواری اول شمعون  
 مستمی پطرس و برادرش اندریاس و یعقوب ابن زبیدی و برادرش  
 ۳ یوحنا \* فیلبوس و بر تلما و توما و متی که باج خواه بود و یعقوب ابن  
 ۴ حلفا و لبثی که به ثدی ملقب است \* شمعون قنانی و یهووا  
 ۵ اسخریوطی که اورا خیانت نمود \* پس این دوازده نفر را عیسی  
 روانه فرموده ایشانرا گفت که از راه قبایل مروید و در هیچ شهری

- ۶ از شهرهای سامرئین داخل مشوید \* بلکه سزاوار است که نزد
- ۷ کوسفندان کم شده خانه اسرائیل رفته باشید \* دور اثنا راه اعلام
- ۸ داده بگوئید که ملکوت آسمان نزدیکیست \* و بیماران را شفا
- بخشید و ابرص را ظاهر سازید و مردهگانرا برخیزانید و جنبهها را اخراج
- ۹ نمائید چنانچه بی تکلف یافته اید بی تکلف بخشید \* و در کمر بند
- ۱۰ خوو طلائی یا نقره یا نحاسی را ذخیره نمائید \* و نه بجهت سفر توشه
- وانی و نه یک کس دو پیراهن را و نه نعلینش و نه عصائی را زیرا که
- ۱۱ مزور مستحق خوراک خوو است \* و در هر شهر یا قریه که داخل
- شوید تفحص نمائید که در آنجا کیست که قابلیت داشته باشد و در
- ۱۲ همان مکان باشید تا بیرون روید \* و چون بخانه داخل شوید بر آن
- ۱۳ سلام نمائید \* پس اگر آنخانه را قابلیت باشد سلام شما بر آن واقع
- ۱۴ شود و اگر استعداد ندارد سلام شما بسوی شما بازگشت نماید \* و چون
- کسی شما را قبول نکند و سخن شما را استماع نماید چون از آنخانه یا شهر
- ۱۵ بیرون روید غبار قدمهای خوورا بر افشانید \* که بدرستی که بشما
- میکویم که در روز جزا احوال سرزمین سدوم و غمزه اسهل از این
- ۱۶ بلا خواهد بود \* اینک شما را چون کوسفندان بمیان کرکان
- ۱۷ میفرستم پس چون ماران دانا و چون کبوتران بی خدعه باشید \* لیکن
- از مردم احتیاط نمائید که شما را در شوراها خواهد کشید و در میان
- ۱۸ مجامع خوو تازیانه خواهد زد \* و در حضور امرا و سلاطین بجهت خاطر
- من حاضر کرده خواهید شد تا شهادتی باشد بر آنها و بر قبایل
- ۱۹ \* چون شما را حاضر نمایند متفکر مباشید که چه نوع یا بچه لفظ تکلم
- نمائید زیرا که آنچه خواهید گفتن در همان ساعت بشما اعلام کرده خواهد

- ۱۰ شد \* از آنرو که شما متکلم نیستید بلکه روح والد شماست که در شما
- ۲۱ تکلم می نماید \* پس برادر برادر را بمرک خواهد کشانید و پدر فرزند را
- و فرزند بر والدین خود برخاسته ایشان را مقتول خواهد ساخت
- ۲۲ \* و بجهت اسم من دشمنی از همه خلق خواهید دید لیکن آنکه تا
- ۲۳ با خرصبر نماید ناجی خواهد بود \* و چون درین شهر شمارا زحمت
- دهند بدبگیری فرار نمائید بد رستی که شمارا میکویم که شهرهای
- ۲۴ اسرائیل را تمام نخواهید نمود که فرزند انسان خواهد آمد \* نه شاکر دراز
- ۲۵ معلم خود افضل است و نه خادم از مخدوم خویش اعلی \* شاکر دراز
- کافیست که چون معلم خود گردد و ملازم چون مولای خویش هرگاه
- که خداوند خانه را به بعز بول مستمی نمودند بچندین مرتبه افزون اهل
- ۲۶ خانه اش را تسمیه خواهد نمود \* پس از آنها مترسید زیرا که هیچ پنهان
- نیست که آشکارا نخواهد کشت و هیچ مخفی که ظاهر نخواهد کردید
- ۲۷ \* هر چه در تاریکی بشما تکلم می نماید در روشنائی باز کوشید و آنچه را
- ۲۸ کوشش داده بشنوید بر بامها ندا کنید \* و از آنها که جسم را تباه می
- نمایند و بر هلاک روح قادر نیستند هراسان مباشید بلکه سزاوار
- است که از آنکس ترسید که قادر است بر هلاک نمودن روح
- ۲۹ و جسد در جهنم \* آیا که دو کنجشک بیک فلس فروخته نمی شود
- و حال آنکه بی اراده پدر شما هیچیک از آنها بر زمین نمی افتند
- ۳۱ \* و بد رستیکه تمامی موی سر شما شمرده شده است \* پس مخوف
- ۳۲ مباشید که از کنجشک های بسیار افضل میباشید \* پس هر که در
- حضور مردم مرا اقرار نماید من نیز در حضور پدر خود که در آسمان
- ۳۳ است او را اقرار خواهم نمود \* و هر کس که در حضور مردم مرا انکار

نماید من نیز ویرا فرد پدر خود که در آسمانست انکار خواهم نمود  
 ۳۲ \* تصور نمائید که من بجهت نهادن صلح بر زمین آمده ام بجهت  
 ۳۵ صلح نیامده ام بلکه بجهت نهادن شمشیر \* زیرا که بجهت تفرقه  
 ۳۶ مرد از پدر و دختر از مادر و عروس از مادر شوهر خود آمده ام \* و دشمنان  
 ۳۷ شخص اهل خانه اویند \* هر آنکو پدر یا مادر را زیاد از من دوست  
 دارد مستحق من نیست و هر آنکو پسر یا دختر را از من مهر  
 ۳۸ ورزد قابل من نباشد \* و آنکو صلیب خور را بزنده داشته بعقب من  
 ۳۹ نیاید قابل من نیست \* آنکو حیات خویش را تحصیل نموده آنرا  
 هلاک خواهد نمود و هر آنکو زنده گانی خور را بجهت من بر باد داده  
 ۴۰ است آنرا خواهد یافت \* و هر آنکو شمارا می پذیرد مرا پذیرفته  
 است و آنکه مرا پذیرفته است آنکس را پذیرفته است که مرا  
 ۴۱ فرستاده است \* هر آنکس که نبی را با اسم نبی قبول نماید اجر  
 نبی را خواهد یافت و آنکه عادل را بنام عادل پذیرد مزد عادل را  
 ۴۲ خواهد گرفت \* بدرستی که هر آنکو یکی ازین اطفال کاسه آب  
 سروی بجهت آشامیدن عطا نماید با اسم شاکروی من بشما میگویم  
 که بهیچ وجه اجر خور را ضایع نخواهد ساخت

باب یازدهم

۱ در هنگامی که عیسی فرمایش خور را بدوازده شاکرو خود تمام نمود از  
 آنجا بجهت تعلیم و موعظه نمودن در شهرهای ایشان روانه گشت  
 ۲ \* و چونکه بجایی در زندان اعمال مسیح را شنید دو شخص از  
 ۳ شاکردان خور را بنزد وی فرستاد \* و پرسید آیا که تویی آنکس  
 ۴ که آمدنش ضروری بود یا منتظر دیگری باشیم \* عیسی آنها را

- جواب داده فرمود که بر وید واز آنچه شنیده و دیده اید بچی را مطلع  
 ۵ کردانید\* که کوران روشن میگردند و شلها برفتار می آیند و مبروصین  
 طاهر می گردند و کران شنوا میگردند و مرده کان بر میخیزند و بی نوایان  
 ۶ مرده اخیل می یابند\* و خوشا حال کسی که در باره من پا نکوبد  
 ۷ \* و چون آن دو نفر بیرون شتافتند عیسی در باره بچی بان  
 جماعت آغاز سخن نموده گفت بسبب دیدن چه به بیابان رفته  
 ۸ بودید آیا نیسی را که از باد می جنبید\* و بجهت مشاهده چه بیرون  
 شتافتید آیا مروی را که بلباس نرم ملبّس بود اینک آنان که  
 ۹ لباس فاخر پوشیده اند در خانه سلاطین اند\* پس هر تاشامی چه  
 بیرون رفته اید آیا پیغامبر را بلی بشما میگویم بلکه از پیغمبر هم افضل  
 ۱۰ \* زیرا که همین است که در حق وی نوشته شده بود که اینک من  
 رسول خورا پیش روی تو میفرستم که راه تو را در پیش روی  
 ۱۱ تو درست نماید\* بدرستی که بشما میگویم که از اولاد زنان برترتری  
 از بچی تعمید و هنده بر خاسته است لیکن آنکس که در ملکوت  
 ۱۲ آسمان کوچکتر است بزرگ تر است از وی\* و از ایام بچی  
 تعمید و هنده تا حال مملکت آسمان مجبور است و ارباب  
 ۱۳ جبرش برور اخذ می نمایند\* ز آنچه همگی انبیا و توریت نیز تا بظهور  
 ۱۴ بچی خبر میدادند\* و هرگاه که قبول نمایند این الیاس است که  
 ۱۵ آمدن وی ضروری بود\* و هرکس که گوش شنوا وارد بشنود\* پس  
 مردم این طبقه را بچه چیز تشبیه نمایم آن اطفال را مانند که در بازارها  
 ۱۷ نشسته رفقای خویش را طلب نمایند\* و گویند که بجهت شما نواختیم  
 ورقص نکرید و بجهت شما نوحهگری کردیم و سینه نرزدید\* زیرا بچی

- که نه خورنده و نه آشامنده بود آمد گفتند که در او جتنی هست
- ۱۹ \* و فرزند انسان که خورنده و آشامنده رسید کوبند اینست مردی  
اکول باوه پرست دوست عشاران و کناه کاران لیکن حکمت
- ۲۰ از اولاد خود مصفی میشود \* پس بملامت نمودن اهل آن شهرها  
که بسیاری از معجزات وی در آنها صادر شده بود آغاز نمود زیرا که
- ۲۱ توبه نکرده بودند \* که وای بر تو ای خورزین و اف بر تو ای بیت  
صدیا زانرو که اگر آن اعمال قویه که در شما صادر گشت در صورت  
وصیدا نمودار گشتی هر آینه از مدتی در پلاس و خاکستر توبه نمودندی
- ۲۲ \* لیکن بشما میگویم که بدرستی که در روز جزا بجهت صورت وصیدا  
۲۳ اسهل از آنچه بشماست خواهد بود \* تو ای کفر ناحوم که تا بفلک  
سر کشیده بجهت فرو خواهی شد زیرا که اگر آن اعمال قویه که در  
میان تو هویدا گردید در سدوم واقع میگشت هر آینه تا امروز
- ۲۴ استوار می ماندی \* لیکن بشما میگویم که در روز جزا از برای سدوم  
۲۵ اسهل خواهد بود تا از برای تو \* و عیسی در آن زمان توجه فرموده  
گفت والدا خداوند آسمان وزمینا تورا ستایش مینمایم از آنکه این  
چیزها را از حکما و صاحبان فهم مستور و بکودکان ظاهر گردانیدی
- ۲۷ \* و بلی والدا زیرا که همین منظور نظر تو شده بود \* همگی چیزها از  
پدر خود بمن تسلیم شده است و غیر از پدر هیچ کس پسر را نمی  
شناسد و غیر از پسر یا آنکسی که میخواهد پسر که بومی ظاهر گرداند
- ۲۸ کس هیچ پدر را نمی یابد \* اسی همگی زحمت کشان و کرانباران  
۲۹ نرد من آید که من شما را براحات خواهم رسانید \* عل مرا بر خود  
گیرید و از من تعلیم گیرید زانرو که حلیم میباشم و در دل فروتن که

۳۰ در نفوس خود آسوده کسی را حاصل خواهید نمود \* زیرا که غل من خفیف است و بار من سبک

باب دوازدهم

- ۱ در آن هنگام عیسی در روز سبتی از میان کشتهها عبور نمود و شاگردان وی کرسنه بودند پس شروع بمالیدن خوشهها و خوردن نمودند \* و چون فریسیان این عمل را مشاهده نمودند گفتندش اینک شاگردان تو عملی را می نمایند که کردن آن در روز سبت جایز نیست \* ایشانرا گفت که آیا نخوانده اید آنچه را که داود نموده
- ۲ بود چون کرسنه شد او و کسانی که با وی بودند \* که چه وضع در خانه خدا داخل کشته و نانهای تقدّم را که خوردن آنرا نه بوی و نه بر فیقان
- ۳ وی جز بگهنة و بس جایز نبود تناول نمود \* و یا آنکه در توریت نخوانده اید که روز سبت کاهنان در هیكل سبت را حرمت نمیدارند
- ۴ و مواخذ نیستند \* لیکن بشما میگویم که درین مکان شخصی است که
- ۵ از هیكل عظیم تر است \* و هرگاه معنی این فقره را میدانستید
- ۶ که رحمت میخواهم نه قربانی بر بیگناهان حکم نمی نمودید \* زانرو که
- ۷ فرزند انسان خداوند یوم السبت نیز هست \* و چون از آنمکان
- ۸ بیرون رفت به مجمع ایشان در آمد \* و شخص دست شلی در آنجا حاضر بود پس ایشان از وی سوآل نموده گفتند که آیا در
- ۹ روزهای سبت شفا دادن جایز است تا بر وی ادعا نمایند \* ایشانرا
- ۱۰ گفت که کیست در میان شما که یک کوسفند داشته باشد و هرگاه
- ۱۱ که در روز سبت در کورالی افتد او را نخواهد گرفت و برداشت
- ۱۲ \* و فضیلت انسانی بر میشی چه قدر است پس بنا بر این اقدام



- ۱۳ با مور خیر در ایام سبت جایز است \* آنگاه آن مرد را فرمود که دست خور را دراز کن و او آنرا دراز کرده که مانند آندست
- ۱۴ و بکیش در ست شد \* آنگاه فریسیان شورائی از برای وی بر پا
- ۱۵ نمودند که او را هلاک کردند \* و چون عیسی از ایتمقدمه مطمح کشته از آنجا رحلت فرمود و جمع بسیاری بعقب وی آمده که همگی آنها را
- ۱۷ تن در ست نموده \* و ایشانرا تاکید فرمود که آنرا اظهار نمایند \* تا کامل گردد آنچه بوساطت اشعیا پیغمبر گفته شده بود که می گفت
- ۱۸ \* اینک ملازم من که او را برگزیده دارم و محبوب من که خاطر من از وی خورسند است روح خور را بر وی خواهم نهاد و او بر قبایل
- ۱۹ انصاف خواهد فرمود \* او مجاوله و فغان نخواهد نمود و هیچ کس
- ۲۰ آوازش را در کوچها نخواهد شنید \* نی خورد شده را خواهد شکست و فتیله نیم سوخته را خاموش خواهد نمود تا آنکه بر آرد
- ۲۲ انصاف را با غلبه \* و قبایل بر اسم وی معتمد خواهند بود \* آنگاه دیوات کور و کنکی را نژد وی آورند و او را شفا بخشید که آن کور
- ۲۳ کنک گویا و بینا گردید \* و مجموع آن گروه محو گردیده گفتند که نه این
- ۲۴ فرزند داود است \* لیکن چون فریسیان ایتمقدمه را شنیدند گفتند بدرستی که این جنان را بیرون نمی نماید مگر باستظهار ملک
- ۲۵ جن باعلزبول \* لیکن عیسی تصورات آنها را درک نموده فرمود که هر مملکتی که بر خلاف خود منقسم میگردد بویرانی کشد و هر شهری
- ۲۶ یا خانه که بر خلاف خود مفروض گردد پایدار نخواهد ماند \* پس اگر شیطانی را شیطانی را بیرون نماید بر خلاف خود منقسم می گردد پس
- ۲۷ از چو رو سلطنتش ثابت خواهد بود \* و اگر من باستظهار باعلزبول

جنبه‌ها را اخراج می‌نمایم پس بمعاونت چه کس فرزندان شما آنها را  
 ۲۸ اخراج می‌نمایند لهذا ایشان بر شما انصاف خواهد نمود \* لیکن اگر  
 من جنبه‌ها را بمعاونت روح خدا بیرون نمانم یقین که ملکوت خدا  
 ۲۹ نزد شما رسیده است \* و دیگر آنکه چه سان کسی در خانه شخص  
 پر زوری رفته در خت‌هایش را بگیرد جز آنکه اول آن مرد زبردست را  
 ۳۰ ببندد و بعد از آن خانه اش را غارت نماید \* هر آنکس که از من  
 ۳۱ نیست بر منست و هر آنکه با من جمع نمیکند پراکنده می‌سازد \* از  
 اینجا است که شما را می‌گویم که مجموع کنانان و کفر گفتن از انسان  
 آمرزیده میشود لیکن کفر بروح القدس بجهت انسان عفو خواهد  
 ۳۲ گشت \* هر کسی که سخنی بر خلاف فرزند انسان گوید از وی  
 عفو خواهد گشت اما هر کس بر خلاف روح القدس گوید نه در  
 ۳۳ اینجا همان و نه در جهان آینده معاف خواهد گردید \* یا آنکه درخت را  
 نیکو و شمرش را نیکو سازید یا آنکه درخت را فاسد و شمرش را فاسد  
 ۳۴ سازید زانرو که درخت از میوه خود شناخته میشود \* امی افعی زاده  
 با چگونه میتوانید خوب تکلم نمائید و حال آنکه بد هستیید زیرا که زبان  
 ۳۵ از زیادتی دل تکلم می‌نماید \* مرد شایسته از خزانة شایسته دل خود  
 اشیا شایسته را بیرون می‌آرد و مرد ناشایسته از خزانة ناشایسته  
 ۳۶ خود چیزهای ناشایسته را بیرون می‌آرد \* لیکن من بشما می‌گویم که  
 هر کلمة ناشایسته را که مردم می‌گویند در روز جزا محاسبه اش را خواهد  
 ۳۷ داد \* زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی گشت و از  
 ۳۸ سخنان خود حکم بر تو خواهد شد \* آنکه تنی چند از نویسندگان  
 و فریسیان پاسخ داده گفتند امی استاد از تو خواهش دیدن آیتی را

- ۳۹ داریم \* ایشانرا جواب داده گفت که طبقه شیر زناکار آیت را  
جست جو میناید و جز آیت یونس پیغمبر هیچ آیتی بوی داده  
۴۰ نخواهد شد \* چه بوضعی که یونس سه شبانروز در شکم ماهی ماند  
فرزند انسان هم چنان سه شبانروز در شکم زمین خواهد ماند  
۴۱ \* مردان نینوه با این طبقه بر محاکمه خواهد ایستاد و آنرا ملزم  
خواهد نمود زانرو که آنها بموعظه یونس توبه نمودند و اینک از یونس  
۴۲ برر کتری در ینجاست \* ملکه جنوب در محاکمه با این طبقه خواهد  
برخاست و بر آن حکم خواهد نمود زیرا که او بجهت شنیدن حکمت  
سلیمان از اقصای زمین آمد و اینک از سلیمان برر کتری  
۴۳ در ینجاست \* و چون روح خبیثه از آدمی بیرون میروند بجهت  
۴۴ جستجوی آسایش در اماکن بی آب میگذرد و هیچ نمی یابد \* پس  
میکوید بخانه خود که از آن بیرون آمده ام مراجعت نمایم پس آمده  
۴۵ آنرا خالی و جاروب کرده و مرتین می یابد \* آنگاه رفته هفت روح  
شیر تر از خود را با خود گرفته و در آنجا داخل گشته ساکن میگردند  
و انجام آنمرد از آغازس بدتر می گردد و همین نوع خواهد بود نسبت  
۴۶ باین طبقه شیر \* و در آنحالتی که با جماعت تکلم می نمود مادر  
و برادران وی بیرون ایستاده خواهش گفتگوی با وی داشتند  
۴۷ شخصی ویرا گفت اینک مادر و برادرانست بتمنای تکلم با تو در  
۴۸ بیرون ایستاده اند \* پس با آن شخص که با وی این سخن را  
گفت جواب داده فرمود که مادر من کیست و برادران من  
۴۹ کدامند \* و دست خویش را بجانب شاگردان خود دراز نموده گفت  
۵۰ اینک مادر و برادرانم \* چه هر آنکس که خواهش پدر من که در

آسمانست بعمل می آورد اوست برادر وخواهر و مادر من

باب سیزدهم

- ۲ دور آنروز عیسی از خانه بیرون آمده بر کناره دریا نشست \* و جماعت
- بسیاری بر وی جمع شده بنوعی که در سفینه رفته نشست و تمامی
- ۳ آن گروه بر کناره ایستاده بوزند \* و او معانی بسیاری را در مثالها
- بجهت ایشان آورده فرمود که بنزد کرمی بجهت زراعت نمودن
- ۴ بیرون رفت \* و در حالت تخم پاشی بعضی بر کناره راه افتاده
- ۵ و مرغان آمده آنرا خوروند \* و بعضی بر سنگلاخ افتادو جائیکه خاک
- بسیاری را نیافت وزود سبز شد زیرا که زمین عمیق نداشت
- ۶ \* و چون آفتاب طالع کشت سوخته و از آنجا که ریشه نداشت
- ۷ خشک گردید \* و بعضی در میان خارها واقع کشت و خارها نمود نموده
- ۸ و آنرا خفه نمودند \* و قدری در زمین نیکو کاشته گردید و بعضی صد
- ۹ چندان و بعضی شصت و بعضی سی ثمر بر آورد \* هر کس که کوش
- ۱۰ شنوا دارد بشنود \* پس شاگردان وی آمده گفتند از چهره با ایشان
- ۱۱ در مثالها تکلم میفرمائی \* گفت زیرا که در یافتن اسرار ملکوت
- ۱۲ آسمان بشما داده شده و با ایشان داده نشده است \* بنابراین
- هر کس که دارد باو داده خواهد شد و زیاد خواهد گردید و اما هر کس
- ۱۳ که ندارد نیز آنچه دارد از وی گرفته خواهد شد \* پس بآنها در
- مثالها سخن میرانم زانرو که می نگرند و نمی بینند و کوش میدارند
- ۱۴ و نمی شنوند و نمی فهمند \* و اخبار اشعیا در باره آنها کامل گردید که
- میگفت که پیوسته خواهید شنید و خواهید فهمید و پیوسته خواهید
- ۱۵ نگریست و خواهید دید \* زانرو که دل این قوم سنگین است

- و سخنهارا کران استماع می نمایند و چشمان خور را بر هم مینهند که  
 مبادا کاهی بیدیه با نظر نمایند و بکوشها بشنوند و بدل در یابند و توبه  
 ۱۶ نمایند و من آنها را شفا بخشم \* لیکن خوشا حال چشمان شما زانرو که  
 ۱۷ می بینند و کوشهای شما از آنرو که می شنوند \* زیرا بدرستی که بشما  
 میگویم که چندین پیغمبر و پرهیزکار که تمنای ملاحظه و اشتند آنچه را  
 که شما ملاحظه می نمائید و ندیدند و شنیدند آنچه را که شما می شنوید  
 ۱۹ و نشنیدند \* پس شما مثال بندر کراکوش دهید \* چون کسی کلمه  
 ملکوت را بشنود و نفهمد آن شریب آید و آنچه در دل او کاشته شده  
 است میر باید اینست مثل آنکه تخم را در کناره راه تحصیل  
 ۲۰ نموده بود \* و آنکه بندر را در زمین سنگلاخ یافت همانست که سخن را  
 ۲۱ میشنود و خوشنوی فی الفورش قبول می نماید \* لیکن چون ریشه  
 در خود ندارد تا مدتی باقی است و چون سختی یا صدمه بسبب  
 ۲۲ کلام عارض میشود فی الفور لغزش می یابد \* و آنکه وانرا در میان  
 خارا یافت همانست که کلام را می شنود لیکن مهیات و نیوی  
 ۲۳ و فریب دولت کلمه را خفه می نماید پس کلمه بی ثمر می گردد \* و آنکه  
 وانرا در زمین نیکو می یابد همانست که کلمه را می شنود و می فهمد  
 ۲۴ و ثمر می آرد بعضی صد چندان و بعضی شصت و بعضی سی \* پس  
 مثلثی و بیکر بجهت آنها آورده گفت ملکوت آسمان مردی را  
 شباهت دارد که بندر نیکویی را در زمین خویش زراعت نمود  
 ۲۵ \* و چون مردم بخواب رفتند خصم وی آمده و در میان آن کندم  
 ۲۶ کندم دیوانه کاشت و روان کردید \* و چون کشته نمود نمود و خوشه بر  
 ۲۷ آورد آن کندم دیوانه نیز ظاهر کردید \* پس ملازمان رئیس نزد

وی آمده گفتند مولانا آیا که تخم نیکو در مزرعه خویش نکشتی این  
 ۲۸ کاکلک را از کجا بهم رسانید \* گفت که خصمی این عمل را نموده  
 است ملازمان ویرا گفتند که پس آیا می خواهی که رفته آنرا بر  
 ۲۹ چینییم \* گفت نی مبادا که چون خواهید که کدم دیوانرا جمع نمائید  
 ۳۰ کدم را نیز باوی برکنید \* بلکه هر دورا بگذارید که تا وقت حصار  
 نمودن نمائید و هنگام حصار زورنده کانرا خواهم گفت که اول کاکلک را  
 جمع نمائید و بجهت سوخت و ستهها بندید و کدم را در انبار من جمع  
 ۳۱ نمائید \* و باز مثلی دیگر بجهت ایشان آورده گفت که ملکوت  
 آسمان دانه خردلی را ماند که شخصی آنرا گرفته در مزرعه خویش زرع  
 ۳۲ نمود \* و آن در حقیقت از جمیع تخمها کوچک تر است و چون نمو  
 نماید بزرگترین بقولاتست بنوعی که درخت میشود چنانچه مرغان  
 ۳۳ هوا آمده در شاخهها یش سایه کزین میگردند \* و باز مثلی دیگر بجهت  
 آنها زود فرمود که ملکوت آسمان خمیر مایه را مشابعت وارو که  
 ضعیفه آنرا گرفته در سه پیمانه آرد کذارو که بالأخره مجموع آن مختمر  
 ۳۴ گردد \* خلاصه آنکه عیسی همگی این مفهومات را در امثال بان  
 ۳۵ جماعت توضیح نمود و بدون مثال هیچ نمیکفت آنها را \* تا کامل  
 گردد آنچه بوساطت پیغمبر گفته شده بود که می گفت لب خود را  
 در مثالها خواهم کشاو و باسراری که از ابنای عالم مخفی بودند تکلم  
 ۳۶ خواهم نمود \* آنکه عیسی جماعت را بر گردانیده بخانه رفت و شاگردان  
 وی نزد وی آمده گفتند که مثال کاکلک کشت را بجهت ما شرح  
 ۳۷ نما \* ایشانرا جواب داده گفت آنکه بند نیکو کار و فرزند انسانست  
 ۳۸ \* و مزرعه و نیاست و تخمهای نیک ابنای عالم ملکوت و کاکلکها

- ۳۹ فرزندان شریر اند \* و دشمنی که آنها را کاشته بود شیطان و موئمن  
 ۴۰ حصار انجام جهان و درونده کان ملایکه اند \* پس بر همان وضع که  
 کندم تلخ جمع میشود و در آتش سوخته می گردد. بهمان طریق در  
 ۴۱ عاقبت اینجهان خواهد بود \* که فرزند انسان فرشتههای خود را  
 خواهد فرستاد که جمیع چیزهای لغزش دهنده و بدکاران را از مملکت  
 ۴۲ وی فراهم خواهد آورد \* و در تنور آتش خواهد افکند و در آنجا کریه  
 ۴۳ و فشار زندان خواهد بود \* آنگاه عادلان مانند آختاب در ملکوت  
 پدر خود خواهند درخشید و هر کس که گوشه‌های شنوا دارد بشنود  
 ۴۴ \* و نیز ملکوت آسمان کنجی را ماند که در مزرعه مخفی باشد و شخصی  
 آنرا یافته پوشیده داشت و از خوشوقتی آن رفته هر چه داشت  
 ۴۵ بفروخت و آنمزرعه را خرید \* و باز ملکوت آسمان تاجر را ماند که جوایمی  
 ۴۶ مرواریدی نیکو باشد \* و یک لؤلؤ کران بهارا یافته رفته و جمیع  
 ۴۷ آنچه را داشت فروخته و آنرا خرید \* و نیز ملکوت آسمان دامی را ماند  
 ۴۸ که در دریا افکنده شده و از تمامی اجناس فراهم آورده \* و چون پر  
 کشت بر کناره اش بر آورد پس نشسته خوبها را در ظرفها جمع  
 ۴۹ نموده و بدارا بیرون انداختند \* و همین وضع در انتهای دنیا خواهد  
 گردید که فرشتگان بیرون خواهند آمد و بدان را از میان راستان  
 ۵۰ اخراج خواهند نمود \* و آنها را در تنور آتش خواهند افکند چنانکه کریه  
 ۵۱ و فشار زندان در آنجا خواهد بود \* عیسی فرمود که آیا شما جمیع  
 ۵۲ این چیزها را درک نمودید گفتند بلی خداوند \* پس بآنها فرمود که  
 هر مدرسی که در ملکوت آسمان تربیت یافته است که خدای  
 ۵۳ خانه را ماند که از مخزن خود چیزهای نو و کهنه را بیرون می آورد \* و چون

۵۴ عیسی این مثالها را کامل کرد و انید از آنمکان رحلت فرمود \* پس  
 بوطن خویش آمده و آنها را در مجمع آنها بنوعی تعلیم نمود که تعجب  
 نموده گفتند این مرد حکمت و اعمال قوی را از کجا بهم رسانید  
 ۵۵ \* و آیا که نه این فرزند نجار است و نه مستمی بمریم مادر اوست و نه  
 ۵۶ برادرانش یعقوب و یوشا و شمعون و یهووا اند \* و همگی خواهران  
 او نروما نمی باشند پس این مرد را جمیع این چیزها از کجا بهم رسید  
 ۵۷ \* و در باره وی لغزش می یافتند که عیسی آنها را فرمود که هیچ  
 ۵۸ پیغامبری بی حرمت نیست مگر در وطن و خانه خویش \* و بنا بر  
 عدم اعتقاد ایشان در آنجا بسیاری از افعال قوی صادر نمود

باب چهاردهم

۲ و در آن ایام هیروویس رئیس ربع آوازه عیسی را شنیده \* ملازمان  
 خویش را گفت که این شخص یحیی تعمید دهنده است که از  
 مرده کان برخاسته است و از آنرو اعمال قوی از وی صادر میگردد  
 ۳ \* زانرو که هیروویس بجهت خاطر هیروویا زن برادر خود فیلیپوس  
 ۴ یحیی را گرفته بسته در زندان انداخت \* بجهت آنکه یحیی ویرا  
 ۵ گفته بود که تو را داشتن آن زن حلال نیست \* و او اراده قتل  
 ویرا نموده لیکن از خلق هراسان بود زیرا که چون پیغمبرش مید  
 ۶ انستند \* و در اثنای عیش نمودن در روز تولد هیروویس دختر هیروویا  
 ۷ در میان مجمع رقص نمود که هیروویس را شاد نمود \* بنا بر این قسم  
 ۸ خورده ویرا وعده نمود که هر آنچه طلب نماید بوی عطا نماید \* و چون  
 مادرش او را تحریک نموده بود گفت که سر یحیی تعمید دهنده را  
 ۹ در طبقی درینجا بمن عنایت فرما \* و پادشاه ازین اندوهناک



- کشته لیکن بخت پاس قسم و وساطت همنشینان بدادن آن
- ۱۱ فرمان داد \* پس فرستاده سر یحیی را در زندان جدا نمودند \* و سر  
 اورا در طشتی حاضر نموده با آن دختر تسلیم نموده و او نزد مادر خود
- ۱۲ آورد \* و شاکردان وی آمده جسدش را برداشته دفن نمودند و آمده
- ۱۳ عیسی را اطلاع دادند \* و عیسی آنقدر را شنید در کشتی نشسته  
 بتنهائی از آنمکان بجای ویرانی رفت و همه خلق این را شنیده از
- ۱۴ شهرها در خشکی بعقب وی روان شدند \* پس عیسی بیرون آمده  
 جمع بسیاری را مشاهده نمود و بر آنها ترحم فرموده بپاران ایشانرا
- ۱۵ شفا بخشید \* و چون شام کردید شاکردان وی نزد وی آمده گفتند  
 که این مکانیست ویران و حال وقت هم منقضی شده است  
 لهذا این جماعت را رخصت انصراف بفرما تا بقرها رفته بجهت
- ۱۶ خویش غذایی خریده باشند \* و عیسی ایشانرا فرمود که احتیاج بر رفتن  
 نیست شما ایشانرا خوراک دهید \* گفتند که ما در اینجا جز پنجه نان
- ۱۸ و دو ماهی چیزی نداریم \* گفت انهارا در اینجا نرد من حاضر سازید  
 ۱۹ \* پس آن گروه را فرمود که تا برسبزه بنشینند و آن پنجه قرص را  
 با آن دو ماهی گرفته بسوی آسمان نگر بست و برکت داده آن  
 نانهارا پاره پاره نموده بشاکردان خویش داد و شاکردان بان  
 ۲۰ جماعت دادند \* و همگی آنها خورده سیر کشته و از پاره هایش که باقی  
 ۲۱ مانده دوازده طبق برداشتند \* و عدد خورنده کان سوامی زنان و اطفال  
 ۲۲ به پنجه هزار میرسید \* و عیسی بی تأمل شاکردان خودرا بسواری  
 بر کشتی و بانطرف قبل از وی عبور نمودن مجبور نمود تا آنجماعت را  
 ۲۳ رخصت انصراف دهد \* پس آنجماعت را مرخص نموده بتنهائی

بر کوهی بجهت نماز گذاردن صعور نمود و در وقت غروب آفتاب  
 ۲۲ در آن مکان تنها بود \* و کشتی در آنوقت در میان دریا با مواخ گرفتار  
 ۲۵ می بود زانرو که باد مخالف بود \* و عیسی در ساعت چهارم از  
 ۲۶ شب بر دریا خرامان بسوی ایشان روان گردید \* و شاگردان وی  
 او را بر دریا خرامان دیده مضطرب گشته گفتند که صورت و همی  
 ۲۷ است و از شدت اضطراب فریاد نمودند \* که عیسی بی تأمل با  
 آنها تکلم فرموده گفت خاطر جمع باشید که من هستم و هراسان  
 ۲۸ مباشید \* پس پطرس او را جواب داده گفت که خداوند هرگاه  
 ۲۹ تو هستی مرا مرخص فرما تا بر آب نرو تو آیم \* گفت بیا و پطرس  
 از کشتی پائین آمده بر بالای آب روان گردید \* تا نرو عیسی برو  
 ۳۰ \* لیکن چون شدت باد را مشاهده نمود خائف گشته و مشرف  
 ۳۱ بغرق گردیده فریاد زنان گفت خداوند مرا دریاب \* در آن لحظه  
 عیسی دست افشاند و او را بر گرفت و با وی گفت ای کم اعتقاد  
 ۳۲ از بهر چه شک آوردی \* و چون در کشتی آمدند باد ساکن گردید  
 ۳۳ \* پس آنانی که در کشتی بودند آمده ویرا سجود نمودند گفتند که در  
 ۳۴ حقیقت فرزند خدا هستی \* پس از آنجا عبور نمود بسر زمین  
 ۳۵ کنیست آمدند \* و اهل آن قصبه از وی مطلع گشته بهمکنی نواحی  
 ۳۶ آندبار فرستاده جمیع بیمارانش را نرو وی آوردند \* و از وی استدعا  
 نمودند که همین دامن قبایش را مس نمایند و هر کس که مس  
 نمود شفا یافت

باب پانزدهم

۲ آنگاه چند کات و فریسی اورشلیمی نرو عیسی آمده گفتند \* چونست

- که شاکردان تو از رسوم قدما تجاوز می نمایند چه هرگاه که نان میخورند
- ۳ دستهای خوور انمی شویند\* ایشانرا جواب داده فرمود که از بهر چه
- ۴ شما نیز بر قاعده خویش از حدود الهی تجاوز می نائید\* زانرو که خدا
- فرموده است که پدر و مادر خوورا محترم بدان و هرکس که پدر یا
- ۵ مادر را فحش دهد البته هلاک کردد\* و شما میکوشید که هرکس که
- پدر یا مادر خوورا بگوید که آنچه از مال من بتو نفع رسیده قربانیست
- ۶ و پدر یا مادر خوورا احترام نماید معاقب نخواهد بود\* پس بجهت
- ۷ رسوم خود حکم خذارا باطل نموده اید\* اسی مزوران در باره شما
- ۸ اشعیا خوب اخبار نموده است که گفت\* که این گروه بزبان
- خود با من نزویکی میکنند و بلبها مرا عزیز میدارند و دل آنها از
- ۹ من دور است\* و بیهوده مرا عبادت مینمایند که احکام خلق را
- ۱۰ بمنزله فرایض تعلیم مینمایند\* پس آنکروه را طلب نموده بایشان
- ۱۱ گفت که بشنوید و بفهمید\* که نه آنچه بدان فرو میروند انسانرا نجس
- میکرواند بلکه آنچه از ذهن بیرون آید آنست که انسانرا نجس
- ۱۲ می سازد\* پس شاکردان وی آمده گفتندش که آیا در یافته که
- ۱۳ فریسیان ائمه قدما را شنیده مکتور گردیند\* او جواب داده فرمود که
- ۱۴ هر نهالی را که پدر آسمانی من نگاشته است کنده خواهد شد\* ایشانرا
- و اکنارید که کوران راهبران کوراند پس هرگاه کوری کوری را
- ۱۵ هدایت نماید هر دو در کوری خواهد افتاد\* پس پطرس جوابش
- ۱۶ داده گفت که این مثل را بجهت ما شرح نما\* عیسی فرمود که
- ۱۷ آیا شما نیز تا حال بی اوراک هستید\* و هنوز نیافته اید که هر چه
- بدان فرو میروند داخل شکم می گردد و در مبرز افکنده می شود

- ۱۸ \* لیکن آن چیزائی که از دهن بیرون می آید از دل صدور می  
 ۱۹ یابد و آنها انسانرا نجس میسازد \* زیرا که مظنه‌های بد وقتل و فسق  
 وزنا و زوری و شهادت زور و کفر از درون دل بیرون می آید  
 ۲۰ \* و این چیزهاست که آدمی را ناپاک میگرداند و بدست‌های ناشسته  
 ۲۱ چیز خوردن انسانرا نجس نمیگرداند \* پس عیسی از آنجا بیرون رفته  
 ۲۲ بنواحی صور و صیدا روان گردید \* که ناکاه ضعیفه کنعانی از آن  
 حدود بیرون آمده فریاد کنان ویرا گفت خداوند فرزند دادا بر من  
 ۲۳ رحم فرما که دختر من سخت دیوانه شده است \* و او یک لفظ  
 هم جواب نداده پس شاکردان وی آمده از وی استدعا نمودند که  
 ۲۴ او را بر گردان زیرا که در عقب ما غوغا می نماید \* لیکن او جواب  
 داده فرمود که من فرستاده نشده ام مگر بجهت کوسفندان کم  
 ۲۵ شده خانه اسرائیل \* پس آن ضعیفه آمده ویرا سجود نمود و گفت  
 ۲۶ خداوند مرا دستگیری فرما \* جواب داده فرمود که نان اطفال را  
 ۲۷ گرفتن و نرو سگان انداختن مناسب نیست \* گفت خداوند  
 چنین است لیکن سگان هم از پس مانده که از خوان مولایمی  
 ۲۸ خور می افتند اکل میانیند \* پس عیسی او را جواب داده گفت ای  
 زن بدرستی که ایمان تو عظیم است آنچنان که خواهش واری با  
 ۲۹ تو کرده شود که دختر وی در همان ساعت صحیح گردید \* پس عیسی  
 از آنجا رفته در نرو یکی دریای جلیل بر کوهی بر آمده در آنجا بنشست  
 ۳۰ \* که جمع بسیاری که چندین کنک و کور و کنک و شل و غیر اینها  
 بسیار با خود داشتند نرو عیسی آمده آنها را بر پای وی افکندند  
 ۳۱ و او ایشانرا شفا بخشید \* چنانچه آنجماعت کنکها را متکلم و شله‌ها را

تن درست و لنگهارا خرامان و کورانرا بینا دیده تعجب نمودند  
 ۳۲ و خدای اسرائیل را تمجید نمودند \* آنکه عیسی شاکردان خورا  
 طلب فرموده گفت که مرا بر این جماعت دل سوخت زانرو که  
 الحال سه روز است که با من میباشند و چیزی بجهت خوردن  
 ندارند و نمیخواهم که ایشانرا گرسنه برگردانم مبادا در عرض راه  
 ۳۳ ضعف نمایند \* شاکردان ویرا گفتند که ما را در میان اینقدر نان  
 ۳۴ از کجا بهم خواهد رسید که چنین جماعت بسیار را سیر نماید \* عیسی  
 آنها را گفت که چند نان دارید گفتند هفت عدد و قدری از ماهیان  
 ۳۵ خورو \* پس آنکروه را فرمود که بر زمین بنشینید \* و آن هفت  
 قرص را بان دو ماهی گرفته و شکر نموده و پاره نموده بشاکردان  
 ۳۶ خویش داد و ایشان بانکروه دادند \* و تمامی آن مردم خورده سیر  
 ۳۸ گردیدند و از پاره های باقی مانده هفت زنبیل پر برداشتند \* و سوامی  
 ۳۹ زنان و اطفال چهار هزار نفر بودند که غذا را تناول نمودند \* پس  
 آنجماعت را رخصت انصراف داده و در کشتی داخل کشته در  
 حدود مجده وارد گردید

### باب شانزدهم

۱ پس فریسیان و زادوقیان پیش آمده بر سبیل امتحان از وی  
 ۲ سؤال نمودند که آیت آسمانی بر آنها ظاهر سازد \* آنکه ایشانرا  
 گفت چون شام شود گوئید که هوا خوش خواهد بود بجهت آنکه  
 ۳ آسمان سرخست \* و در صبحگاه امروز هوا ناخوش خواهد بود  
 زانرو که آسمان سرخ و گرفته است ای ریاکاران روی فلک را  
 ۴ تمیز می توانید کرد و علامات این عصر را نمی توانید دانست \* طبقه

- شیر فاسق آیت را خواهش مینمایند و سوای آیت یونس پیغمبر  
 هیچ آیتی بوی واده نخواهد شد پس آنها را گذاشته روان گردید  
 ۵ \* و شاگردانش با طرف رسیده نان آوردنرا فراموش کرده بوزند  
 ۶ \* عیسی آنها را فرموده که احتیاط نمائید و از خمیر مایه فریسیان  
 ۷ و زاردوقیان با حذر باشید \* و آنها در دلهای خود تصور نموده گفتند  
 ۸ زانست که نان نکرفته ایم \* و عیسی از آن مطلع گشته گفت ای  
 ۹ مردم کم اعتقاد چرا در دلهای خود تختل مینمائید که از آنست که  
 ۱۰ نان نکرفته آید \* آیا که هنوز آن پنج کرده و پنج هزار مرورا و چند  
 ۱۱ طبق را که بر داشتید نمی فهمید و یاد نمی آرید \* و نه آن هفت نان  
 ۱۲ و چهار هزار نفر را و آن چند زنبیل را که برداشته بودید \* چرا تصور  
 نمی نمائید که بجهت نان با شما تکلم نمودم که از خمیر مایه فریسیان  
 ۱۳ و زاردوقیان احتراز نمائید \* آنگاه یافتند که احتیاط از خمیر مایه نان  
 ۱۴ نفرموده بود بلکه از تعلیم فریسیان و زاردوقیان \* پس عیسی بسر  
 حد قیصریه فیلیپوس رسیده از شاگردان خویش سؤال نموده  
 ۱۵ فرمود که مرا که فرزند انسانم مردم چه شخص میگویند \* گفتند که بعضی  
 یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از پیغمبران  
 ۱۶ \* ایشانرا فرمود که شما مرا چه شخص میگوئید \* آنگاه شمعون پطرس  
 ۱۷ جواب واده گفت که توئی مسیح پسر خدای حتی \* و عیسی جواب  
 واده فرمود که خوشا حال تو ای شمعون باریونا زانرو که جسم و خون  
 این را بر تو ظاهر نساخت بلکه پدر من که در آسمانست ظاهر  
 ۱۸ نمود \* و من نیز تو را میدیم که توئی پطرس و بر این سنگ کلیسیای  
 ۱۹ خود را بنا خواهم نمود و در پای جهنم بروی استوار خواهد بود \* و کلیدهای

مملکت آسمانرا بتو خواهم بخشید و هر چیزی را که تو در زمین  
 ببندی در آسمان نیز بسته خواهد گشت و هر چیزی را که تو در  
 ۲۰ زمین بکشائی در آسمان نیز کشاوه خواهد گشت \* آنگاه شاگردان  
 خود را تاکید نمود تا هیچ کس را نگویند که او خود عیسی مسیح است  
 ۲۱ \* و عیسی از همان وقت به مطلع گردانیدن شاگردان خویش آغاز  
 نمود بانکه ضرور است او را باورشلیم رفتن و از دست رؤسا  
 و کاهنان بزرگ و نویسندگان متحمل چیزهای بسیار گشتن و کشته  
 ۲۲ شدن و در روز سیم برخاستن \* آنگاه پطرس او را گرفته آغاز ملامت  
 ۲۳ نموده گفت خداوند از تو دور باد این بر تو واقع نخواهد گشت \* که  
 او التفات نموده پطرس را گفت ای شیطان از عقب من برو که  
 موجب صدمه من هستی زیرا که اندیشه تو از الهیات نیست  
 ۲۴ بلکه از انسانیاتست \* آنگاه عیسی شاگردان خویش را فرمود که  
 اگر کسی خواهد که بعقب من آید باید که خویش را انکار نماید و صلیب  
 ۲۵ خود را برواشته مرا متابعت نماید \* از آنجا که هر کس خواهد که نفس  
 خویش را نجات دهد او را هلاک خواهد نمود و هر که زنده گانی  
 ۲۶ خود را بجهت خاطر من تلف نماید انرا خواهد یافت \* زیرا که  
 شخص را چه سود دارد هر گاه تمامی دنیا را بیرون و نفس خویش را  
 ۲۷ ببازد و یا آنکه چه چیز را آدمی ببعوض جان خود خواهد داد \* زانرو که  
 فرزند انسان در جلال پدر خود با ملایکه خویش خواهد آمد و آنگاه  
 ۲۸ هر کس را بر وفق عمل او جزا خواهد داد \* بدرستی که بشما میگویم که  
 از ایستگاه کان اینجا کسانی میباشند که تا فرزند انسان را در حالتی که  
 در ملکوت خود می آید مشاهده نمایند زانوقت مرگ را نخواهد چشید

باب هفدهم

- ۱ بعد از شش روز عیسی پطرس و یعقوب و یوحنا را برادرش را
- ۲ برواشته و پنهانی ایشان را بکوه مرتفعی آورد \* و در حضور آنها
- صورتش متغیّر گشته و چهره اش چون خورشید میدرخشید و لباس
- ۳ او چون نور سفید بود \* که ناگاه موسی و الیاس با وی تکلم کنان بر
- ۴ ایشان ظاهر گردیدند \* پس پطرس بعیسی توجه نموده گفت خداوند
- ما را نیکوست که در اینجا باشیم اگر خواهش داری سه سایبان
- بسازیم یکی از برای تو و یکی بجهت موسی و یکی بجهت الیاس
- ۵ \* که در اثنای تکلم آن ابر درخشنده بر ایشان سایه افکنده و ناگاه
- صدای از آن ابر می گفت اینست فرزند محبوب من که از وی
- ۶ خوشنودم سخن اورا بشنوید \* و شاگردان وی این را شنیده برو
- ۷ افتادند و بی نهایت ترسان گشتند \* پس عیسی آمده و آنها را مس
- ۸ فرموده گفت بر خیزید و خایف مباشید \* پس چشمان خویش را
- ۹ کشاده سوای عیسی هیچکس را ندیدند \* و چون از آنکوه پائین می
- آمدند عیسی آنها را تاکید فرمود که این رؤیا را با هیچکس مگوئید تا
- ۱۰ آنکه فرزند انسان از میان مردهگان بر خیزد \* پس شاگردان وی
- سؤال نمودند که پس چو نیست که نویسندهگان میگویند باید که
- ۱۱ الیاس اول آید \* عیسی آنها را در جواب فرمود که فی الحقیقه
- ۱۲ اول الیاس آید و همه چیز را اصلاح خواهد نمود \* لیکن شما را
- میگویم که بدرستی که الیاس آمده و اورا نشناختند و آنچه خواهش
- ایشان بود با وی نمودند و بهمان وضع نیز فرزند انسان را رحمت
- ۱۳ خواهد رسانید \* و شاگردان وی یافتند که در بارهٔ یحییای تعمید



- ۱۲ و زده با ایشان تکلم می نماید \* و چون نرو خلق آمدند یک مردی
- ۱۵ پیش آمده و زانوروه \* گفت خداوند بر فرزند من ترخم فرما زانرو که
- مصر و عست و بشدت الم گرفتار است چنانچه بارها در آتش
- ۱۶ و بارها در آب می افتند \* و من اورا نرو شاکردان تو آوردم نتوانستند
- ۱۷ که اورا علاج نمایند \* پس عیسی جواب داده فرمود که ای طبقه بی
- ایمان و کج تا کجا با شما خواهم بود تا یکی شما را تحمل خواهم نمود در
- ۱۸ همین جا نرو من آریدش \* و عیسی اورا نهیب نموده و آن جن از
- ۱۹ وی اخراج شد و در ساعت آن طفل شفا یافت \* پس شاکردان
- پنهانی نرو عیسی آمده گفتند که چونست که ما نتوانستیم که اورا
- ۲۰ بیرون نایم \* عیسی آنها را فرمود که از عدم اعتقاد شما زیرا بدرستی
- که بشما میگویم که هرگاه بقدر وانه خردلی اعتقاد داشته باشید و باین
- کوه بکوئید که ازین مکان بآن مکان حرکت نما حرکت می نماید
- ۲۱ و هیچ چیز شما را محال نخواهد بود \* لیکن این نوع بیرون نمیرود جز
- ۲۲ بدعا و روزه \* و چون در مرزو بوم جلیل بسیر میرفتند عیسی ایشانرا
- ۲۳ فرمود که فرزند انسان بدستهای مردم تسلیم خواهد شد \* و ایشان
- اورا خواهند کشت و در روز سیم خواهد برخاست و آنها بغایت
- ۲۷ غمگین بوزند \* و چون بکفر ناحوم آمدند محصلان خراج نرو بطرس
- ۲۵ آمده گفتند که آیا معلم شما خراج را تسلیم نمی نماید \* گفت بلی
- و چون بخانه در آمد عیسی سبقت نموده گفت ای شمعون چه تصور
- مینمائی آیا که سلاطین زمین عشر و جبریرا از چه کس میگیرند از
- ۲۶ فرزندان خویش یا از بیگانگان \* بطرس گفت که از بیگانگان
- ۲۷ عیسی گفت پس بیقین که فرزندان آراند \* لیکن از آنرو که

ایشانرا عذاب ندهیم بدریا رفته قلبی را بینداز نخستین ماهی که  
بیرون آید گرفته و دانش را بکشا یک ریال خواهی یافت او را بر  
واشته بعوض من و خوور بایشان تسلیم نما

باب هجدهم

- ۱ و در آن هنگام شاکروان عیسی نرو وی آمده گفتند که در ملکوت
- ۲ آسمان بزرگتر کیست \* پس عیسی طفلی را نرو خوور طلب نموده
- ۳ و در میان آنها پیش بر پا داشت \* و فرمود که بدرستی که بشما میگویم  
که ما و امی که متبدل نکرید و چون اطفال صغیر نکرید و اخل
- ۴ ملکوت آسمان نخواهید گشت \* پس هر که مانند این کودک
- ۵ خوورا حقیر وارو همان در مملکت آسمان بزرگتر است \* و هر که
- ۶ چنین طفلی را بنام من قبول نماید مرا قبول نموده است \* و هر  
کویکی ازین اطفال صغار که معتقد من اند صدمه رساند او را بهتر
- است که سنک آسمانی در گردن وی معلق باشد و در قعر دریا
- ۷ غرق گردد \* و امی بر اینجهان بسبب ناملا میها و حال آنکه وجوو  
آن اشیا ناملا می ضروریست لیکن و امی بر آنکس که آن اشیا
- ۸ ناملا می بوساطت وی بظهور آید \* پس هرگاه که دست یا پای تو  
تورا بلغزند آنها را قطع نموده از خویش دور کن زیرا که تورا بهتر
- است که کنک یا شل و اخل حیات کردی از آنکه دو دست
- ۹ یا دو پا داشته در آتش ابدی انداخته شوی \* و اگر که دیده تو مر تورا  
لغزش دهد او را کنده از خوور برانداز زانرو که بهترست تورا که
- یک چشم وارو زنده کنی کردی تا آنکه دو چشم داشته در آتش جهنم
- ۱۰ انداخته کردی \* احتیاط نمائید که هیچیک ازین اطفال صغار را حقیر

- ندانید زیرا که بشما میگویم که پیوسته ملائکه ایشان در آسمان صورت  
 ۱۱ پدر مرا که در آسمانست مشاهده می نمایند \* زیرا که فرزند انسان  
 ۱۲ آمده است که کم شده کافرا نجات دهد \* شمارا می نماید اینکه اگر  
 کسی را صد کوفسند باشد و یکی از آنها کم کردو آيا که آن نوو و نرا  
 ۱۳ وانمیکند ارد و بکوهها رفته کم شده را جست جو نمی نماید \* و اگر اتفاق  
 افتد که آنرا بیاید بدرستی که بشما میگویم از بهر آن بیش از آن نوو  
 ۱۴ ونه که کم نشده بوو خورسند خواهد کشت \* هم چنین پدر شما که  
 ۱۵ در آسمانست اراده ندارد که یکی ازین اطفال تباه شوو \* و هرگاه  
 که برادر تو با تو خطائی نماید برو و بتنهائی در میانه خوو و او ملزمش  
 ۱۶ ساز که اگر سخن تورا بشنوو هر آینه برادر خویش را یافتی \* و اگر که  
 نشنوو یک دو نفر را با خوو بگیر که از زبان دو یا سه شاهد هر  
 ۱۷ مقدمه مستحکم کردو \* هرگاه که سخن آنها را نشنوو کلیسیا را حالی نما  
 و اگر که از شنیدن سخن کلیسیا ابا نماید بگذار که تا در نرو تو چون  
 ۱۸ خارجی یا عشاری باشد \* و بشما راست میگویم که هرچرا بر زمین  
 ببندید در آسمان بسته خواهد کشت و هرچرا بر زمین بکشائید در  
 ۱۹ آسمان کشاوه خواهد کردید \* و نیز شمارا میگویم که هرگاه دو نفر بر  
 زمین از شما بجهت درخواست کردن امری اتفاق نمایند هرچه  
 باشد از جانب پدر من که در آسمانست بجهت آنها کامل خواهد  
 ۲۰ کردید \* زانرو که در هر جا که دو یا سه کس بنام من جمع شوند من  
 ۲۱ در آنجا در وسط ایشان هستم \* پس پطرس نرو وی آمده گفت  
 خداوند تا چند مرتبه که برادر من بر من تعدی نماید ازو در کدرم آيا  
 ۲۲ که تا بهفت مرتبه \* پس عیسی ویرا گفت که تورا نمیگویم که تا

- ۲۳ هفت بلکه تا هفتاد هفت مرتبه \* زانو که ملکوت آسمان سلطانی را
- ۲۴ ماند که با خدمتکاران خود اراده محاسبه داشت \* و چون شروع
- بمحاسبه نمود شخصی را بنزد وی آوردند که مبلغ ده هزار قنطار
- ۲۵ بده کار بود \* و از آنجا که چیزی نداشت که او نماید مولای وی
- بفروش او وزن و فرزند و جمیع آنچه داشت فرمان داد که او
- ۲۶ کرده شود \* و آن ملازم بر زمین افتاده ویرا تعظیم نموده گفت
- ۲۷ خداوند مرا مهلت ده تا همه را بتو ادا نمایم \* و آقای آن ملازم ترخم
- ۲۸ فرموده و او را رها نموده و قرض او را بخشید \* چون آن ملازم بیرون
- شتافت از ملازمان همقطار خویش شخصی را که صد وینار بوی
- دادنی بود یافته دست انداخته کردن ویرا گرفته گفت قرض را
- ۲۹ بمن تسلیم نما \* و ملازم همقطار وی بر پایه های او افتاده التماس نمود
- ۳۰ و گفت که مرا مهلت ده تا تمامی را بتو ادا نمایم \* لیکن او قبول
- نموده بلکه رفته او را در زندان انداخت تا که آن دین را ادا نماید
- ۳۱ \* و چون ملازمان همقطار وی این واقعه را ملاحظه نمودند بسیار
- غمگین گشته پس آمدند و مولای خود را از تمامی آنچه واقع شده بود
- ۳۲ مفصلاً اعلام نمودند \* پس مولای او او را خوانده گفت ای ملازم
- شریر از آنجا که تو از من سؤال نمودی من مجموع آن قرض را بتو
- ۳۳ بخشیدم \* آیا نیکو نبود که تو نیز بر ملازم همقطار خود چنانچه من بر
- ۳۴ تو رحم نمودم رحم نمائی \* پس مولای وی را خشم گرفته بمحصلانش
- ۳۵ سپرد تا همه آنچه بر او لازم بود که داده باشد ادا نماید \* همین وضع
- پدر آسمانی من نیز با شما سلوک خواهد نمود چنانچه هر یکی از شما
- از صمیم قلب جرایم برادر خود را از وی معاف نماید

باب نوزدهم

- ۱ و چون عیسی این مکالمه را با انجام رسانید چنان واقع گشت که
- ۲ از سرحد جلیل رحلت نمود و بکنار یهوویه آنطرف اردن آمد \* که
- جماعت بسیاری در قفای وی افتادند و آنها را در آنمکان شفا
- ۳ بخشید \* و فریسیان بر سبیل امتحان نزد وی آمده ویرا گفتند که
- ۴ آیا انسانرا جایز است که زن خوورا بهر جهتی طلاق دهد \* ایشانرا
- جواب داده گفت مگر مطالعه نموده اید که آنکس که آنها را در
- ۵ ابتدا آفریده بود زن و مرد خلقت نمود \* و گفت که انسان بدین
- جهت پدر و مادر ترک نموده بجفت خوو خواهد پیوست و هر دو
- ۶ یک جسد خواهند بود \* پس ایشان فیما بعد دو نیستند بلکه یک
- جسمند پس آنچه را خدا پیوند فرموده است هیچ کس آنرا متفرق
- ۷ نسازد \* گفتند پس چو نیست که موسی بدارن طلاق نامه و بیرون
- ۸ گردن وی فرمان داد \* ایشانرا گفت که بجهت سنگدلی شما شمارا
- موسی باطلاق زنان اجازت بخشید لیکن از ابتدای آفرینش
- ۹ چنین نبود \* و من شمارا میگویم که هر کس که زن خوورا جز بعلت
- زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح نماید زنا نموده است و هر کس که
- ۱۰ آن مطلقا نکاح نماید نیز زنا نموده است \* پس شاکروان او
- ویرا گفتند که هرگاه مقدمهٔ مرد با زن چنین است پس بهتر
- ۱۱ است که نکاح نکنند \* آنها را فرمود که تمامی خلق این مقدمه را فرا
- ۱۲ نمی توانند گرفت جز آنان که بایشان عطا شده است \* زیرا که
- خصی چند هستند که از شکم مادر چنان تولد شده اند و خصی چند
- هستند که بدست دیگران خصی شده اند و خصی چند هستند که

خور را بجهت ملکوت آسمان خصی نموده اند پس هر کس که  
 ۱۳ قابلیت آنرا دارد آنرا قبول نماید \* آنگاه چند طفل را بنزد وی  
 آورند تا آنکه دستهای خور را بر آنها گذاشته دعا فرماید و شاگردان  
 ۱۴ وی آنها را نهیب نموند \* لیکن عیسی فرمود که اطفال صغیر را  
 اجازت دهید و از آمدن بنزد من منع ننمائید زانرو که ملکوت آسمان  
 ۱۵ از این چنین با است \* پس دستهای خور را بر آنها گذاشته و از  
 ۱۶ آسمان روان گردید \* که نگاه شخصی آمده و پراگفت که ای استاذ  
 ۱۷ نیکو من چه فعل نیکو را بعمل آورم تا زنده کسی جاوید را بایم \* گفت  
 از چه رو مرا خوب گفتی و حال آنکه هیچ کس خوب نیست جز  
 یکی و آن خداست و اگر اراده آن داری که داخل حیات گردی  
 ۱۸ فرایض را نگاه دار \* گفت کدام فرایض عیسی گفت همین که  
 ۱۹ قتل مکن زنا مکن و زردی مکن و شهادت زور مگویی \* پدر و مادر  
 ۲۰ خود را محترم دار و آشنای خور را چون خود دوست دار \* پس آن  
 جوان و پراگفت که جمیع این گفتهها را از ابتدای جوانی خود محفوظ  
 ۲۱ داشته ام در چه چیز حال ناقص میباشم \* عیسی و پراگفت که اگر  
 قصد آن داری که کامل گردی برو و اشیای خور را فروخته بفقرا  
 تسلیم نما که در آسمان کنجی خواهی یافت پس آمده مرا متابعت  
 ۲۲ نما \* و چون آن جوان این کلمات را شنیده اندوهگین گشته روان  
 ۲۳ گردید زانرو که املاک بسیار داشت \* پس عیسی شاگردان  
 خویش را فرمود که هر آینه بشما میگویم که شخص دو تنمند در نهایت  
 ۲۴ و شواری داخل ملکوت آسمان خواهد گشت \* و نیز شما را میگویم  
 که شتر را در سوراخ سوزن داخل شدن اسهل است از داخل

۲۵ شدن دولت مند در ملکوت خدا \* چون شاکر روان این مقدمه را شنیده بی نهایت متحیر گشته گفتند پس کیست که نجات  
 ۲۶ خواهد یافت \* وعیسی با آنها توجه فرموده ایشانرا گفت این مقدمه  
 ۲۷ نرو انسان محالست لیکن نرو خدا همه چیز ممکن است \* آنگاه  
 پطرس ویرا جواب داده گفت اینک ما جمیع چیزها را ترک  
 ۲۸ نموده تورا متابعت میمائیم پس اجر ما چه خواهد بود \* که عیسی  
 ایشان فرمود بدرستی که بشما میگویم شما که مرا متابعت نمودید  
 در تولد نواندر آسمان که فرزند انسان بر کرسی جلال خود نشیند  
 شما نیز بر دوازده تخت جلوس خواهید نمود و حکم رانی بر دوازده  
 ۲۹ فرقه اسرائیل خواهید نمود \* و هر کس که خانها یا برادران یا  
 خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را بجهت  
 اسم من رها کرده است صد مانند آن را خواهد یافت و وارث  
 ۳۰ حیات ابدی خواهد کردید \* لیکن بسا مقدمی که مؤخر خواهد  
 کشت و مؤخری که مقدم خواهد کردید  
 باب بیستم

- ۱ از آنرو که ملکوت آسمان صاحبخانه را ماند که با مدادان بجهت
- ۲ گرفتن عمده از برای تاکستان خود روان گردیده بود \* پس با
- عمده هر روز بدیناری قرار داد نموده ایشانرا بتاکستان روانه نمود
- ۳ \* و در ساعت سیم بیرون رفته اشخاص دیگر را بیکار در بازار
- ۴ ایستاده دید \* ایشانرا گفت که شما نیز بتاکستان بروید که آنچه باید
- ۵ بشما خواهم داد ایشان بانجا رفتند \* و نیز در ساعت ششم و نهم
- ۶ بیرون رفته بهمان وضع بعمل آورد \* و نزدیک بساعت یازدهم

- نیز بیرون رفته بعضی دیگر را بیکار ایستاده دید ایشانرا گفت بچه
- ۷ سبب تمام روز در اینجا بیکار ایستاده اید \* آنها گفتند زانرو که کسی مارا نکرده است ایشانرا گفت که شما نیز بسوی تاکستان بروید
- ۸ که حق خور را خواهید یافت \* و چون شام گشت صاحب تاکستان وکیل خور را فرمود که مردور انرا طلب نما و از آخرها
- ۹ گرفته تا باولینها اجرت آنها را بانها تفویض نما \* و چون آن یازده
- ۱۰ ساعتیها آمدند هر نفری دیناری یافتند \* پس آن اولیان حاضر گشته کمان نمودند که زیاده خواهد یافت که ایشان نیز هر نفری
- ۱۲ دیناری یافتند \* پس آنرا گرفته با صاحب خانه کله نموده \* گفتند که تو این پسینیان را که یکساعت با ما کار کرده اند با ما که متحمل
- ۱۳ صعوبت و حرارت روز گردیده ایم قرین نموده \* و او بیکی از آنها جوات داده گفت عزیز من من هیچ ظلمی بر تو نموده ام آیا که
- ۱۴ تو بدیناری از من راضی نکشتی \* پس حق خور گرفته روانه شو که من این متاخر را چون اجرت تو خواهم داد \* آیا جایز نیست
- ۱۵ مرا که آنچه خواهم با مال خویش بعمل آرم و یا آنکه نیکی من موجب
- ۱۶ بدی چشم تو شده است \* وهم بر این قیاس پسینیان پیشینیان و اولیان آخرین خواهد بود زیرا که خوانده شده کان بسیارند و بر
- ۱۷ گزیده کان کم \* در اثنای رفتن عیسی باورشلیم و وارده شاکر و خور را
- ۱۸ خفی در راه طلب نموده فرمود \* که اینک باورشلیم میرویم و فرزند انسان بر و ساسی کهنه و نویسنده کان تسلیم کرده خواهد شد و ایشان
- ۱۹ حکم بقتل وی خواهد نمود \* و جهت استهزا و ضرب و صلب
- ۲۰ بفرمایش خواهد سپرد و در روز سیم خواهد بر خاست \* آنگاه مادر



- اولاد زبیدی با فرزندان خویش او را سجده نموده است دعاکنان نزد  
 ۲۱ وی آمدند \* ویرا گفت که چه میخواهی گفت مقرر فرما که این دو  
 فرزند من در ملکوت تو یکی بر یمین و یکی بر یسارت بنشینند  
 ۲۲ \* پس عیسی جواب داد فرمود که نمیدانید که چه چیز است سؤال  
 میمائید آیا که بر آشامیدن قدحی که من از آن خواهم آشامید  
 و یا قتن آن غسلی را که من خواهم یافت قاور میباشید گفتند بلی  
 ۲۳ می توانیم \* ایشانرا فرمود که البته از قدح من خواهید آشامید و آن  
 غسلی را که من می یابم خواهید یافت لیکن نشستن بر دست  
 راست و چپ من زان من نیست که بدهم جز آنانی را که از  
 ۲۴ پدر من معین شده اند \* چون آن ده نفر دیگر این سخن را  
 ۲۵ شنیده بر آن دو برادر خشم گرفتند \* پس عیسی آنها را پیش خوانده  
 فرمود که مطلع هستید که امرای قبایل بر آنها خداوندی میمانند  
 ۲۶ و بزرگان بر آنها سروری میمانند \* لیکن در میان شما چنین نخواهد  
 بود بلکه هر که خواهش این دارد که در میان شما بزرگ گردد  
 ۲۷ شما گردد \* و هر کس که اراده آن دارد که در میان شما مقدم باشد  
 ۲۸ ملازم شما باشد \* چنانچه فرزند انسان برای مخدومی نیامده است  
 بلکه بجهت خادمی و از بهر آنکه جان خویش را فدای خلق بسیاری  
 ۲۹ نماید \* و چون از اینجا بیرون میروند گروه بسیاری در قفای وی  
 ۳۰ روان شدند \* که اینک دو مرد کور که بر کنار راه نشسته بودند چون  
 شنیدند که عیسی در کنار است فریادکنان گفتند خداوند فرزند  
 ۳۱ داودا بر ما ترحم فرما \* آن گروه آنها را نهیب نمودند تا خاموش گردند  
 لیکن آنها بیشتر فریاد کرده گفتند عیسی ابن داودا بر ما ترحم فرما

۳۲ \* پس عیسی ایستاده و آنها را پیش خوانده فرمود چه خواهید تا با  
 ۳۳ شما بعمل آورم \* گفتندش خداوند که دیده ای ما باز شو \* پس  
 عیسی ترخم فرموده دیده ای آنها را مس فرمود که فی الفور چشمان  
 آنها بینائی خورا یافت و آنها بر قفای وی روان گردیدند

باب بیست و یکم

- ۱ چون نزدیک باورشلیم رسیدند و به بیت فاکسی بر دامن کوه زیتون
- ۲ آمدند عیسی دو نفر از شاگردان خورا فرستاده \* فرمود که درین  
 قریه که مقابل شماسنت بروید که در ساعت ماده الاغی را بسته  
 و کتره را با وی خواهید یافت پس آنها را باز نموده نزد من آرید
- ۳ \* و هرگاه که کس شما را چیزی بگوید گوئید که خداوند آنها احتیاج
- ۴ دارد که در ساعت آنها را روان خواهد نمود \* و همگی این چیزها واقع  
 گردید تا کامل کردو آنچه بوساطت پیغمبر گفته شده بود که میگفت
- ۵ \* بگوئید دختر صیئون را که اینک پادشاه تو نزد تو می آید با فروتنی
- ۶ و سوار شده بر الاغی بر کتره بار کشی \* پس آن شاگردان رفته
- ۷ چنانچه عیسی فرموده بود عمل نمودند \* و ماده الاغ و کتره را آوردند
- ۸ و رختهای خورا بر آن کستروه و او را بر آن نشاندند \* و جمع  
 بسیاری رخت خورا در راه فرش می نمودند و بعضی شاخه ها را از
- ۹ درختان بریده در راه می کستروند \* و آن گروه که در پیش رو  
 و آنان که در قفای وی بودند فریادکنان می گفتند هوشعنا فرزند  
 داود راست فرخنده کسی که باسم خداوند می آید هوشعنا در ملا
- ۱۰ علی \* و چون وارد اورشلیم گردید همگی ساکنان آن شهر مضطرب
- ۱۱ کشته گفتند که این کیست \* و آن جماعت گفتند که این عیسی

- ۱۲ پیغمبر ناصری جلیلی است \* پس عیسی باندرون هیکل خدا  
 رفته و همگی آنانی را که خرید و فروخت می نمودند بیرون نمود و تخت‌های  
 ۱۳ صرافان و کرسی‌های کبوتر فروشان را و از کون ساخت \* و ایشانرا  
 گفت که نوشته شده است که خانه من به بیت‌الذخا نامیده  
 ۱۴ خواهد شد و شما مغاره و زوانش ساخته اید \* پس کوران و شلها  
 ۱۵ اندرون هیکل نرد وی آمده آنها را شفا بخشید \* و چون رؤسای  
 کهنه و نویسندگان مشاهده نمودند آن عجایب را که بعمل می  
 آورد و آن اطفال را که در درون هیکل با فریاد می‌گفتند که هوش‌عنا  
 ۱۶ فرزند داود راست غضبناک گشته \* و بر آن گفتند که آیا می‌شنوی  
 آنچه را اینها می‌گویند عیسی آنها را گفت که آری آیا هرگز خوانده  
 ۱۷ اید که از دهن اطفال و کوکان ثنائی را خواهم ساخت \* پس  
 آنها را و گذاشته و از آن شهر بیرون رفته در بیت عنیا آمد  
 ۱۸ و شب را در آنجا بسر برد \* و با مد او ان چون بشهر مراجعت  
 ۱۹ می‌نمود کرسنه گشته \* که در اثنای راه درخت‌احیر می‌را مشاهده  
 فرموده نرد آن آمده سوای برک بر آن هیچ نیافت پس باو  
 گفت که من بعد هیچ میوه بر تو نمودنکانا که درخت‌احیر در ساعت  
 ۲۰ خشک کردید \* و چون شاگردان وی انرا دیده تعجب نموده گفتند  
 ۲۱ که چه بسیار زود درخت‌احیر خشک کردید \* که عیسی آنها را  
 جواب داده فرمود که بدرستی که بشما می‌گویم که اگر اعتقاد آرید  
 و شک نمانید نه همین را که بدرخت‌احیر واقع گشت خواهد نمود  
 بلکه هرگاه این کوه را بکشید که بر داشته و بدریا افکنده شوو چنین  
 ۲۲ خواهد گشت \* و تمام چیزهایی را که بدعا بعقیده درست طب

- ۲۳ خواهید نمود خواهید یافت \* و چون در هیکل آمد در حالتیکه وعظ می نمود رؤسائی که نه و بزرگان آن قوم نرو وی آمده گفتند بجه اقتدار این اعمال می نمائی و کیست که این اقتدار را بتو داده
- ۲۴ است \* عیسی آنها را جواب داده فرمود که من نیز از شما یک سخن خواهم پرسید اگر از آن مرا مطلع سازید من نیز شما را خواهم گفت که بکدام قدرت این اعمال را می نمایم \* غسل تعمید دادن بچیی از کجا می بود آیا از آسمان یا از خلق و ایشان در وله های خود گفتند که اگر کوئیم که از آسمان بود خواهد گفت پس چرا بوی
- ۲۵ اعتقاد نیاوردید \* و اگر کوئیم که از خلق بود از مردم خوف داریم زانرو که
- ۲۶ تمام خلق بچیی را پیغمبر میدانند \* پس عیسی را جواب داده گفتند که ما نمیدانیم فرمود که من هم شما را نمیگویم که بجه اقتدار
- ۲۷ این اعمال را می نمایم \* لیکن چه تصور می نمایند که یک شخص را دو پسر می بود نرو نخستین آمده گفت اسی فرزند برو و در تاگستان
- ۲۸ من امروز بشغلی متوجه شو \* جواب داده گفت که نخواهم رفت
- ۲۹ و بعد از آن پشیمان گشته متوجه آن سمت گردید \* پس نرو دویمین آمده بهمان وضع تکلم نمود او جواب داده گفت خداوند
- ۳۰ خواهم رفت و نرفت \* آیا از آندو نفر کدام خواهش پدر خورا بعمل آورده است گفتند که نخستین پس عیسی بآنها گفت که بدرستیکه بشما میگویم که باج کیران و زناکارا قبل از شما داخل
- ۳۱ ملکوت خدا می گردند \* زانرو که بچیی از راه راستی نرو شما آمده بود بر او اعتقاد نیاوردید و باج کیران و فاحشات بوی ایمان آوردند و شما مشاهده نموده بالاخره بشیمان نشدید تا آنکه بوی اعتقاد آرید

- ۳۳ \* واین مثل ویکرا بشنوید صاحب خانه تاکستانی را غرس نموده  
 آنرا محصور نمود و شیره خانه در او کنده و برجی بنا گذارود و آنرا
- ۳۴ باغبانان سپروه بسوی ملک ویکر شتافت \* وچون موسم میوهها  
 نزدیک کشت ملازمان خوروا بجهت تحصیل میوههای آن نزد
- ۳۵ باغبانان روانه نمود \* لیکن باغبانان ملازمانش را گرفته بعضی را  
 ۳۶ زوند و بعضی را کشتند و بر بعضی رجم نمودند \* باز ملازمان ویکرا  
 ۳۷ بیش از اول فرستاده بهمان وضع بانها رفتار نمودند \* بالاخره  
 فرزند خوروا نزد ایشان فرستاده گفت که البته فرزند مرا حرمت  
 ۳۸ خواهد داشت \* لیکن باغبانان چون فرزند را ملاحظه نموده با خود  
 گفتند که این وارثست بیایید تا او را کشته میرانش را بچنگ  
 ۳۹ آریم \* پس او را در خارج تاکستان بروه مقتول نمودند \* آیا چون  
 ۴۰ صاحب تاکستان آید با مزدوران چه خواهد کرد \* گفتند که یقین  
 که زشت کاران را بزشتی هلاک خواهد نمود و تاکستان را  
 باغبانانی ویکر تسلیم خواهد نمود و آنها میوهها را در فصل آنها بوی  
 ۴۱ تسلیم خواهد نمود \* پس عیسی آنها را فرمود که آیا هرگز در کتب  
 مطالعه نکرده اید که آن سنگی را که معمارانش رو نمودند سر زاویه  
 واقع شد این مقدمه از جانب خدا واقع گردید و در نظر ما عجیب  
 ۴۲ است \* از اینجاست که شمارا میگویم که ملکوت خدا از شما گرفته  
 ۴۳ وبقیله که ثمرش را خواهد فرستاد سپروه خواهد کشت \* و هر کس  
 که بر این سنگ افتد خواهد شکست و بر هر کس که افتد نرمش  
 ۴۴ خواهد ساخت \* وچون روماسی کهنه و فریسیان مثالهایش را  
 ۴۵ شنیدند یافتند که در باره آنها تکلم میاید \* قصد نمودند که بر وی

وست اندازی نمایند لیکن از مردم می ترسیند زانرو که پیغمبرش  
میدانستند

باب بیست و دویم

- ۲ وویگر بار عیسی آنها را در مثلها مخاطب فرموده گفت \* که ملکوت
- آسمان پادشاهی را مانند که بجهت فرزند خویش سوری ترتیب
- ۳ نمود \* و ملازمان خویش را بجهت خواندن خوانده شده کان بسور
- ۴ فرستاد لیکن ایشان نخواستند که بیایند \* باز ملازمان ویکر را فرستاده
- گفت موعودین را خبر نائید که اینک خوان خور را مهیا نموده ام
- و کوسالها و پروارهای من کشته گردیده و همه چیزها آماده کشته
- ۵ است بعیش آئید \* و ایشان سهل انکاری نموده راه خویش
- ۶ گرفتند یکی بجانب زرعه خویش و دیگری بتجارت خویش \* و بقیه
- ۷ آنها ملازمانش را گرفته خفت دادند و قتل رسانیدند \* چون
- سلطان را از آنمقدمه آگاهی حاصل کردید خشم بروی مستولی کشته
- لشکریان خور را فرستاده و آن قاتلان را مقتول ساخت و شهر
- ۸ آنها را سوخت \* پس ملازمان خویش را فرمود که بدرستی که
- اسباب عیش مهیا است لیکن طلبیده کان مستحق نبوند
- ۹ \* لهذا بشوارح عامه رفته هر کس را که بیاید بعیش دعوت نائید
- ۱۰ \* و ملازمان در سر راه رفته بد و خوب هر کس را که یافتند جمع
- ۱۱ نمودند چنانچه حمله عروسی از نشینده کان مملو گردید \* و ملک
- بجهت تفریح مجلسیان درون آمده شخصی را در آنجا ملاحظه فرمود
- ۱۲ که لباس عیش پوشیده بود \* و پراگفت ای مرد بچه سبب
- لباس عیش در بر نکرده و در اینجا داخل کشته آن شخص

- خاموش گردید \* پس سلطان ملازمان را فرموده که دست و پایش را بسته بروه در ظلمت خارجی اندازیدش که در آنجا گریه و فشار زندان خواهد بود \* زیرا که طلبیده‌گان بسیار و برگزیده‌گان کمند
- ۱۵ \* پس فریسیان رفته شورا نمودند که او را در گفتگو گرفتار سازند
- ۱۶ \* پس شاکروان خویش را با هیروزیان بنزد وی فرستاده گفتند استادا ما را معلوم است که صدیق هستی و راه خدا را براستی تعلیم مینائی و از کسی نمی اندیشی زانرو که بظاهر خلق نمی نگری
- ۱۷ \* پس ما را از آنچه بتو می نمایند ارشاد فرما آیا که قیصر را جزیه دادن جایز است یا نه \* عیسی شرارت آنها را یافته فرمود ای ریاکاران
- ۱۹ چرا خواهید که در تجربه ام اندازید \* زر جزیرا بمن نائید آنها دیناری را
- ۲۰ بوی دادند \* پس آنها را فرمود که این صورت ورقم از کیست
- ۲۱ \* گفتندش که زان قیصر است پس آنها را فرمود که چیزهای
- ۲۲ قیصری را بقیصر و چیزهای خدائی را بخدا تسلیم نائید \* و ایشان
- ۲۳ این سخن را شنیده تعجب نموده او را گذاشته روان شدند \* وهم در آنروز تنی چند از زادووقیان که بقیامت قایل نیستند نرد وی
- ۲۷ آمده سؤال نمودند \* و گفتند استادا موسی فرموده است که هرگاه کسی بی فرزند فوت شود باید برادر وی زنش را بعقد خویش در
- ۲۵ آورده نسل برادر خویش را جاری سازد \* و بوزند در میان ما هفت برادر که نخستین ایشان زن گرفته و مرد واز آنجا که فرزندی نداشت
- ۲۶ زن او برادرش رسید \* و همچنین دوتیم و سیم ایشان تا هفتم
- ۲۸ \* و بعد از همه زن نیز فوت گردید \* پس در روز قیامت آن زن کدام یک از آن هفت نفر خواهد بود زیرا که تمامی آنها او را

- ۲۹ نگاه داشته بودند \* پس عیسی آنها را جواب فرمود که چون مضمون
- ۳۰ کتب و قدرت خدا را نیافته اید خطا می نمائید \* زیرا که در روز
- قیامت نه نکاح می کنند و نه بنکاح داده میشوند بلکه در آسمان
- ۳۱ چون ملائکه خدا میباشند \* و آیا که مطالعه نموده اید آنچه از خدا در
- ۳۲ باره بر خواستن مردهگان بشما گفته شده است \* که خدای
- ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب منم و خدا خدای مردهگان
- ۳۳ نیست بلکه خدای زندهگانست \* و مردم این سخن را شنیده از
- ۳۴ تعلیم وی تعجب نمودند \* و چون فریسیان شنیدند که زادوقیان را
- ۳۵ ملزم ساخت با هم جمع کرده اند \* پس یکی از آنها که فقیه بود از
- ۳۶ وی پرسید امتحان سؤال نموده گفت \* ای استاد حکم برترک
- ۳۷ در شریعت چیست \* عیسی ویرا گفت که آخداوندی را که خدای
- تست بهمکی دل و بهمکی جان و بهمکی اندیشه خود دوست دار
- ۳۸ \* که نخستین و برترترین احکام اینست \* و دویم چون آنست که
- ۳۹ آشنای خویش را چون خود دوست دار \* و بهمکی توریست و رسایل
- ۴۰ رسل باین دو حکم معلق اند \* و چون فریسیان جمع کردند عیسی
- ۴۱ از آنها سؤال نموده \* فرمود در باره مسیح چه تصور مینمائید که او
- ۴۲ فرزند کیست گفتند که فرزند داوود است \* بانها فرمود که پس
- ۴۳ چگونه داوود در روح او را خداوند خواند که گفت \* خداوند خداوند مرا
- گفت که بر دست راست من بنشین تا دشمنان تو را قدمگاه
- ۴۴ پایهای تو سازم \* پس هرگاه داوود او را بخداوند ملقب نمود چگونه
- ۴۵ فرزند او باشد \* هیچ کس قدرت جواب وی بیک کلمه نداشت
- ۴۶ و از آنروز هیچ کس و یک جرأت پرسیدن از وی نمود



باب بیست و سیم

- ۲ آنکه عیسی با آن جماعت و شاکروان خود تکلم فرموده گفت \* که
- ۳ نویسنده کان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته اند \* پس هر چه شما را امر کنند که فراگیرید فراگیرید و کار برید لیکن چون اعمال
- ۴ آنها عمل ننمائید زانرو که میگویند و نمی کنند \* زیرا که بارهای کران
- ۵ عسر السمل را می بندند و برشانهای خلق میگذارند لیکن یک
- ۵ انکشت از انکشتان خود آنها را حرکت نمیدهند \* و تمامی اعمال
- خود را بجهت آنکه منظور نظر خلق کردند بجا می آرند چه تعویذهای
- خویش را عریض مینمایند و دامنهای لباس خود را بر رک می
- ۶ سازند \* و دوست میدانند در ضیافت بالای مجالس را و در
- ۷ مجامع صدر را \* و سلام را در بازار و اینکه از زبانهای خلق برتی
- ۸ رتی خوانده شوند \* لیکن شما برتی مخاطب مشوید که پیشرو شما
- ۹ یکی است یعنی مسیح و همگی شما برادران هستید \* و هیچ کس را
- بر زمین پدر مگوئید زانرو که پدر شما یکی است یعنی آنکه در
- ۱۰ آسمان است \* و نه به پیشوا مستمی شوید زانرو که پیشوای شما یکی
- ۱۱ است یعنی مسیح \* آنکه بزرگترین شماست خادم شما خواهد
- ۱۲ بود و هر کس که خویش را بلند کیرو پست خواهد کشت \* و هر که
- ۱۳ خود را پست می سازد بلند خواهد کشت \* لیکن اسی نویسنده کان
- و فریسیان ریاکار و اسی بر حال شما زانرو که در اسی ملکوت آسمان را
- بر روی خلق می بنهد چنانچه نه خود داخل می شوید و نه داخل
- ۱۴ شوندگانرا افزون دخول میدهند \* و اسی بر حال شما اسی نویسنده کان
- و فریسیان ریا شعار زانرو که خانهای بیوه زنان را می بلعید و طول

- نازرا بجهت روپوش بجای آرید بنا بر این شدیدترین عذابهارا
- ۱۵ خواهید یافت \* وای بر حال شما ای نویسنده کان و فریسیان  
ریاکار زانرو که بزوجهرا بجهت آنکه یک شخص را در طریق  
داخل نمائید می گردید و چون داخل شود او را دو مرتبه پست تر
- ۱۶ از خود ابن الجهم میسازید \* وای بر حال شما ای راهبران  
نابینا که میکوشید که قسم شخصی که بهیكل قسم خورد و اعتباری ندارد
- ۱۷ ولیکن کسی که بطلامی هیكل قسم خورد باید ادا کند \* ای احمقان  
و کوران آیا کدام بزرگتر است طلا یا هیكل که طلارا منزه مینماید
- ۱۸ \* و اینکه قسم هر کس که بقرانگاه سو کند خورد معتبر نیست لیکن  
هر کس که بان هدیه که بر آنست سو کند خورد بایش بجا آوردن
- ۱۹ \* ای ابله‌هان و کوران کدام بزرگتر است هدیه یا هدیه گاه که
- ۲۰ هدیرا محترم میسازد \* پس هر کس که بقرانگاه سو کند خورد بر آن
- ۲۱ و هر چه بر آنست سو کند خورده است \* و هر کس که بهیكل سو کند  
خورد هم آن وهم آن که در آن ساکن است سو کند خورده
- ۲۲ است \* اما آنکه باسمان سو کند خورد هم بتخت خدا وهم بر آنکه
- ۲۳ بر آن نشسته است قسم خورده است \* وای بر حال شما ای  
نویسنده کان و فریسیان ریاکار که پوینه و شبث و زیره را عشر میدهید  
و بزرگترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و ایمانست ترک
- ۲۴ نمودید بایست که اینهارا بجا آرید و آنها را ترک نمائید \* ای  
راهبران کور که بجهت پشه صافی را بکار می برید و شتر را فرو
- ۲۵ میبرید \* وای بر حال شما ای نویسنده کان و فریسیان ریاکار  
زانرو که بیرون پیاله و بشقاب را ظاهر میسازید و حال آنکه باطن

- ۲۶ آنها از طمع و بی پرهیزی پر است \* امی فریسی کور اول باطن
- ۲۷ کاسه و بشقاب را ظاهر ساز تا ظاهر آنها نیز ظاهر گردد \* و امی بر حال  
شما امی نویسنده کان و فریسیان ریاکار زآنکه چون کورهای کج  
کاری شده را می مانند که از بیرون نیکو می نماید و از داخل از
- ۲۸ استخوان های مرده کان و همگی نجاسات مملو است \* شما نیز در  
ظاهر بمردم عادل می نمائید و از ریا و کنایه در باطن مملو هستید
- ۲۹ \* و امی بر حال شما امی نویسنده کان و فریسیان ریاکار زانرو که  
مقبره انبیا را عمارت می نمائید و مدفن عادلان را مرتین می سازید
- ۳۰ \* و میکوشید که اگر در ایام پدران خویش می بودیم یقین که با ایشان  
در خون انبیا مشارکت نمی نمودیم \* پس خود بر خود کواهی
- ۳۱ میدید که فرزند کشنده کان پیغمبرانید \* پس بیمانه پدران خود را
- ۳۲ لبریز کنید \* امی افعیها و مارزاده با چه سان از عقوبت و دوزخ
- ۳۳ خواهید گریخت \* و اینک من بجهت این رسولان و حکیمان  
و نویسنده کان چند را نرو شما میفرستم که بعضی را قتل خواهید  
نمود و بعضی را صلب و بعضی را در مجامع خود تازیانه خواهد زد
- ۳۴ و از شهر بشهر تعاقب خواهید نمود \* تا آنکه تمامی خون صدیقان که  
بر زمین ریخته شده است از خون ابیل صدیق تا خون زکریا  
ابن برخیا که در میان هیکل و قریباگاه گشته بودید بر شما واقع
- ۳۵ گردد \* بدرستی که بشما میگویم که جمیع این چیزها بر این طبقه واقع
- ۳۶ خواهد گشت \* امی اورشلیم اورشلیم که کشنده پیغمبران و سنکسار  
کننده آنان که بتو فرستاده شده اند می باشی چند بار خواستم که  
فرزندان تو را چنانچه مرغ جوجهای خود را در زیر بال خود جمع

۳۸ میثاید جمع نامیم و با نمودید \* اینک خانه شما بجهت شما ویران  
 ۳۹ گذاشته می شود \* زانرو که بشما میگویم که من بعد مرا نخواهید دید تا  
 آنزمان که بگوئید مبارکست آنکه باسم خداوند می آید

باب بیست و چهارم

- ۱ پس عیسی از هیکل بیرون آمده روان کردید و شاکردان وی  
 بجهت آنکه عمارت هیکل را بوی نشان دهند پیش آزند
- ۲ \* و عیسی ایشانرا فرمود که آیا همه این چیزها را نمی بینید بدرستی که  
 بشما راست میگویم که در اینجا هیچ سنگی بر سنگی گذاشته نخواهد  
 شد مگر آنکه انداخته خواهد کردید \* و چون بر کوه زیتون قرار گرفت  
 ۳ شاکردان وی پنهانی نزد وی آمده گفتند که ما را خبر ده که چه  
 وقت این چیزها واقع خواهد گشت و علامت آمدن تو و انقضای  
 ۴ عالم چیست \* عیسی در جواب آنها فرمود که احتیاط نمائید تا هیچ  
 ۵ کس شمارا نفریبد \* زانرو که بسیاری باسم من آمده خواهد گفت  
 ۶ که منم مسیح و گروهی را فریب خواهد داد \* یقین که جنکها  
 و اخبار جنکها را خواهید شنید لیکن احتیاط نمائید که مضرب  
 نکرودید زانرو که وقوع جمیع اینها ضروریست اما انجام کار هنوز  
 ۷ نزدیک نیست \* زیرا که طایفه بر طایفه و ملکی بر ملکی خواهد بر  
 خواست و در بعضی جایها قحطها و طاعونها و زلزله پدید خواهد  
 ۹ کردید \* و همگی این چیزها ابتدای دروای زه است \* آنگاه شمارا  
 بمصیبت خواهد سپرد و شمارا خواهد کشت و بجهت اسم من  
 ۱۰ همگی قبایل شمارا دشمن خواهد داشت \* و در آن ایام بسیاری  
 لغزش خواهد یافت و یک و یکرا خواهد سپرد و هم و یکرا دشمن

- ۱۱ خواهند داشت \* و چندین پیغمبر دروغ گو خروج خواهند نمود
- ۱۲ و بسیاری را فریب خواهند داد \* و بجهت افزونی گناه محبت
- ۱۳ بسیاری امسروه خواهند کشت \* لیکن آنکه تا بانجام صبر کند ناجی
- ۱۴ خواهد بود \* و ندا باین مژده ملکوتی در همگی اقطار جهان خواهد شد  
بجهت شهادت بر همگی قبائل و آنکه انجام کار پدید خواهد شد
- ۱۵ \* پس چون کراحت قرین ویرانی را که و انبیا پیغمبر مذکور نموده
- ۱۶ است در مکان مقدس ایستاده خواهید دید هر خوانند بیاید \* آنکه
- ۱۷ آنان که در یهودیه می باشند بگریزند بکوهها \* و آنکه بر بام است پائین
- ۱۸ نیاید بجهت بر گرفتن چیزی از خانه \* و آنکه در میان زراعتست
- ۱۹ بر نگرود تا آنکه لباس خویش را بر دارد \* و امی بر حال شما آبستانان
- ۲۰ و شیر دهندگان در آن ایام \* و دعا نمائید که فرار شما در زمستان
- ۲۱ و در روز سبت واقع نشود \* زیرا که در آنوقت مصیبت عظیمی  
خواهد بود که از ابتدای عالم تا حال مثل آن واقع نشده است
- ۲۲ و خواهد شد \* و اگر آن روزها کوتاه نمی شد هیچ بشر نجات نمی  
یافت لیکن بجهت خاطر بر گزیدهگان آنروزها کوتاه خواهد کردید
- ۲۳ \* پس اگر کسی شمارا گوید که اینک مسیح در اینجا است یا در
- ۲۴ آنجا است باور نه نمائید \* زیرا که مسیحان دروغ و پیغمبران کاذب  
خواهند برخاست و علامات عظیمه و آیات را چنان ظاهر خواهند
- ۲۵ ساخت که اگر ممکن بود بر گزیدهگان را نیز اغوا خواهند نمود \* اینک
- ۲۶ من شمارا قبل از آن اخبار نمودم \* پس هرگاه شمارا گویند که  
اینک در صحراست بیرون مروید یا آنکه در اوطاق خلوتست
- ۲۷ باور نمائید \* زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا

- ۲۸ مغرب ظاهر میکروود آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود
- ۲۹ زانرو که هر جا که مردار بیست کرکسان در آنجا جمع خواهد شد\* و بعد از زحمت آن ایام فی الفور آفتاب تاریک خواهد گشت و ماه نور خور را نخواهد بخشید و ستاره کان از فلک خواهد افتاد
- ۳۰ وقوتهای آسمان متزلزل خواهد شد\* و در آنوقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد گردید و آنگاه جمیع طوایف زمین سینه زنی خواهد نمود و خواهد دید فرزند انسانرا بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم\* و فرشتههای خور را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنها بر کزیدگاننش را جمع خواهد نمود از
- ۳۲ اطراف اربعه از اقصای فلک تا بطرف دیگر\* پس مثلی از درخت انجیر فرا گیرید که چون شاخ آن هنوز نازک است و برگ می آرد فصل تابستانرا نزدیک میدانید\* همچنین چون شما تمامی چیزها را مشاهده نمائید بدانید که نزدیک است بلکه برور است
- ۳۳\* بدرستی که بشما میگویم که تا جمیع این چیزها کامل نگردد این طبقه منقرض نخواهد گشت\* و هر آینه آسمان و زمین زایل
- ۳۴ خواهد گردید و کلام من زایل نخواهد گشت\* و سوای پدر من و پس هیچ کس حتی ملائکه آسمان هم از آنروز وساعت مطلع
- ۳۵ نیستند\* و چنانچه در آوان نوح می بود آمدن فرزند انسان نیز
- ۳۶ همان وضع خواهد بود\* زیرا که چنانکه در ایام قبل از طوفان میخورزند و می آشامیدند و نکاح میکردند و منکوح می گردیدند تا وقت
- ۳۷ داخل شدن نوح در کشتی\* و بیخبر بودند تا آمدن طوفان و فرو گرفتن همگی آنها را بر همان وضع خواهد بود آمدن فرزند انسان

۲۰ \* آنگاه دو نفر که در مزرعه باشند یکی گرفته خواهد شد و دیگری را  
 ۲۱ خواهد کردید \* و دو زن که آس کنند یکی گرفته و دیگری را خواهد  
 ۲۲ کشت \* پس بیدار باشید زیرا که آگاه نیستید که خداوند شما در چه  
 ۲۳ ساعت وارد خواهد کردید \* و این سخن را دریافت مینمائید که  
 اگر صاحب خانه مخبر بودی که در چه ساعت خواهد آمد هر آینه  
 ۲۴ بیدار میبودی و نمیکذاشتی که خانه وی کنده شود \* بنا بر این شما  
 نیز آماده باشید زیرا که فرزند انسان در ساعتی که شما مظنه  
 ۲۵ نمی نمائید خواهد آمد \* کیست آن ملازم متدین و وانا که  
 خداوندش بر عیال خویش کماشته باشد که غذا را در زبان معین  
 ۲۶ بآنها رساند \* پس چه فرخنده است حال آن ملازمی که آقای وی  
 ۲۷ آمده او را در آن عمل خود مشغول بیند \* بشما راست میگویم که  
 ۲۸ بر مجموع اموال خویشش کماشته خواهد کردانید \* و هر گاه آن  
 ملازم شریک با خود تصور نماید که خداوند من در آمدن تأخیر مینماید  
 ۲۹ \* پس شروع نماید برون ملازمان همقطار خویش واکل و شرب  
 ۵۰ نمودن با باده خواران \* هر آینه مولای آن ملازم در روزی که منتظر  
 ۵۱ آن نباشد و در ساعتی که نداند وارد خواهد شد \* و او را دو حصه  
 خواهد نمود و رسد او را با ریاکاران مقرر خواهد نمود که کریه و فشار  
 زندان در آنجا خواهد بود

### باب بیست و پنجم

۱ آنگاه ملکوت آسمان ده باکره را ماند که مشعلهای خورا بر داشته  
 ۲ بر استقبال و امام بیرون رفتند \* و از آنها پنج نفر وانا و پنج نفر  
 ۳ احمق می بودند \* و آنان که ابله بودند مشعلهای خورا بر داشته

- ۴ هیچ روغن با خود نبروند \* و دانش مندان روغن را در ظروف با
- ۵ مشعلهای خود برداشتنند \* و از آنجا که و اما تأخیر نمود تمامی آنها
- ۶ بینگی زود خوابیند \* و در نصف شب خروشی بر خواسته که
- ۷ اینک و اما می آید بجهت استقبال وی بیرون شتابید \* پس
- ۸ تمامی دوشیزه‌گان برخاسته مشعلهای خود را آراسته ساختند \* و آن
- ۹ بیخروان خردمند را گفتند که از روغن خود قدری ما بدهید زانرو که
- ۹ مشعلهای ما خاموش میشوند \* لیکن آن خردمندان ایشانرا
- جواب داده گفتند که شاید بقدر کفاف ما و شما نباشد بهتر آنست
- ۱۰ که نزد فروشنده‌گان رفته بجهت خویش خریداری کنید \* و در حین
- که ایشان بجهت خرید رفته بودند و اما داخل شده و آنان که
- آمده بودند با وی در عروسی داخل گشتند و دروازه بسته گردید
- ۱۱ \* که دختران دیگر بعد از آن آمده گفتند خداوند خداوند برای ما
- ۱۲ باز کن \* جواب گفت که بدرستی که بشما میگویم که شمارا نمی شناسم
- ۱۳ \* پس بیدار باشید زیرا که از آنروز و از آنساعتی که در آن فرزند
- ۱۴ انسان می آید مطلع نیستید \* که او چون مرویست که اراده سفر
- نموده ملازمان خویش را طلب نمود و اموال خویش را بایشان
- ۱۵ سپرد \* یکی را پنج قنطار و دیگری را دو و سیمسی را یکی هر یک را بر
- ۱۶ وفق استعداد سپرد و بی درنگ بسفر خود روان گردید \* پس
- آنکه پنج قنطار گرفته بود رفته آنرا معامله نمود پنج قنطار دیگر
- ۱۷ تحصیل نمود \* و همچنین آن دو قنطاری و تمامی دیگر انتفاع نمود
- ۱۸ \* لیکن آنکه یک قنطار گرفته بود رفته زمین را شکافت و سیم
- ۱۹ مولای خود را پنهان نمود \* و پس از مدتی مدید خداوند آن ملازمان



- ۲۰ رسیده با ایشان محاسبه نمود \* پس آنکه پنج قنطار گرفته بود  
پیش آمده پنج قنطار ویکرا آورده گفت خداوند پنج قنطار بمن  
۲۱ وادی اینک جز آن پنج قنطار ویکر سوو یافته ام \* پس خداوند  
وی ویرا گفت که اسی ملازم نیک نهاد متدین آفرین بر تو که بر  
چیزهای اندک امین بودی پس بر چیزهای بسیاری خواهم  
۲۲ کماشت در خوشنودی خداوند خوو داخل شو \* پس آنکه دو قنطار  
گرفته بود پیش آمده گفت خداوند تو دو قنطار بمن وادی اینک  
۲۳ سوای آنها دو قنطار ویکر تحصیل نموده ام \* پس خداوند وی ویرا  
گفت اسی ملازم نیک نهاد متدین آفرین بر تو که بر چیزهای  
اندک امین بودی پس بر چیزهای بسیاری خواهم کماشت در  
۲۴ خوشنودی خداوند خوو داخل شو \* پس آنکه یک قنطار گرفته بود  
پیش آمده گفت اسی آقاسی من چون تو را می شناختم مروی  
زشت نهاد که جائیکه نکاشته میدرومی واز آنجا که نه افشاند  
۲۵ جمع میثائی \* پس خوف نموده رفته و قنطار تو را در زمین پنهان  
۲۶ نموده ام اینک مال تو حاضر است \* پس اقا ویرا جواب داده  
گفت که اسی ملازم شریر و بیکاره تو میدانستی که میدروم از آنجا که  
۲۷ نکاشته ام و جمع می نمایم از آنجا که نیاشیده ام \* پس می بایست  
که تو زر مرا نرو صرافان میکداشتی که من آمده مال خویش را با  
۲۸ سوو یافته می \* بنا بر این آن قنطار را از وی گرفته با آنکه ده قنطار  
۲۹ وارو تسلیم نمائید \* چه هر کس که وارو خواهد شد و زیاده خواهد  
کشت و آنکس که ندارد آنچه داشته باشد نیز از وی گرفته خواهد  
۳۰ شد \* و آن ملازم بی نفع را در ظلمت خارجی اندازید که در آنجا

- ۳۱ کریستن و فشار زندان خواهد بود \* و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار
- ۳۲ خواهد گرفت \* همگی قبایل نرو وی جمع خواهند گشت و آنها را
- ۳۳ از هر یک جدا خواهد نمود چنانکه شبانی میسهارا از بزا جدا نماید \* پس
- ۳۴ میسهارا بر راست و بزا را بر چپ خود ایستاده خواهد نمود \* آنگاه
- ملک با صاحب یمین خواهد گفت ای برکت یافتگان پدر من بیائید و آن مملکت را که از ابتدای عالم بجهت شما مهیا شده
- ۳۵ بود تصرف نمائید \* زیرا که من کرسنه بوم طعامم دادید و تشنه بوم
- ۳۶ سیرام نمودید و بیکس بوم پناهم دادید \* و برهنه بوم مرا پوشانیدید
- ۳۷ و رنجور بوم عیادت نمودید و در زندان بوم نزد من آمدید \* آنگاه آن
- عادلان او را در جواب خواهند گفت خداوند کسی کرسنه ات دیدیم
- ۳۸ و طعامت دادیم یا تشنه و سیرابت نمودیم \* و کسی تو را بیکس دیدیم
- ۳۹ و پناه دادیم یا عریان و پوشانیدیم \* یا کسی تو را مریض و محبوس دیدیم
- ۴۰ و نزر تو آمدیم \* پس ملک آنها را جواب خواهد گفت که بدرستی که
- بشما میگویم که هر چه با یکی از کوچکترین این برادران من بعمل
- ۴۱ آورید آنرا بمن نکرید \* پس با صاحب شمال خواهد گفت که ای
- ملعوظها از نرو من بروید در آتش ابدی که بجهت شیطان و سپاه
- ۴۲ وی مهیا شده است \* زیرا که کرسنه بوم تغذیه ام نمودید و تشنه
- ۴۳ بوم سیرام نکرید \* و بیکس بوم پناهم ندادید و برهنه بوم نه
- ۴۴ پوشانیدید و بیمار و محبوس بوم عیادت نکرید \* پس آنها نیز جوابش
- خواهند داد که خداوند کسی تو را کرسنه یا تشنه یا بیکس یا برهنه یا بیمار
- ۴۵ یا محبوس مشاهده نمودیم که تو را خدمت نمودیم \* پس آنها را جواب

خواهد داد که بدرستی که بشما میگویم که آنچه نسبت بیکی ازین  
 ۲۶ کوچکترینها بعمل نیارودید با من نیز عمل نیارودید \* و آنها در  
 عذاب ابدی خواهند رفت و عادلان در حیات ابدی

باب بیست و ششم

- ۱ چون عیسی مجموع این سخنان را بانجام رسانید پس شاکردان
- ۲ خویش را فرمود \* آگاهید که بعد از دو روز عید فصیح است و فرزند
- ۳ انسان بجهت مصلوب کشتن تسلیم خواهد گشت \* و در آن
- ۴ آوان رؤسای کهنه و نویسندهگان و مشایخ آن قوم در دیوان خانه
- ۵ رئیس کهنه که قیافا نام داشت جمع گردیدند \* و مشورت کردند
- ۶ که عیسی را بحیله چنگ آورده بقتل رسانند \* لیکن گفتند که در
- ۷ ایام عید نشوو مباد که شورشی در میان خلق برپا گردد \* و هنگامی
- ۸ که عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون ابرص میبود \* ضعیفه با
- شیشه عطر کز آنها در حالتی که نشسته بود نزد وی آمده بر سر وی
- ۹ ریخت \* و شاکردان وی این را دیده مکتدر شده گفتند چرا چنین
- ۱۰ اصراف نموده شد \* ممکن بود که این عطر را بمبلغ خطیری فروخته
- و بفقرا بخشیده شو \* عیسی ای معنی را یافته بایشان فرمود که چرا
- این ضعیفه را مضطرب میدارید و حال آنکه عمل نیکوئی بامن
- ۱۱ بجا آورده است \* بدرستی که فقرا را همیشه با خود دارید لیکن مرا
- ۱۲ همیشه با خود ندارید \* و این زن این عطر را که بر بدنم مالیده است
- ۱۳ بجهت و فتم نموده است \* بدرستی که بشما میگویم که در تمام جهان
- در هر جایکه ندا باین مژده کرده خواهد شد این عمل این ضعیفه
- ۱۴ نیز بجهت یاد داشت او مذکور خواهد شد \* آنگاه یکی زان

- دوازده نفر که بیهودای استخریوطی مستمی بود نزد رئیس کهنه رفته
- ۱۵ \* گفت مرا چه خواهید دادن که اورا بشما تسلیم نمایم ایشان سسی
- ۱۶ پاره نقره بجهت وی مقرر نمودند \* واز همانوقت در جستجوی
- ۱۷ فرصت میبود که اورا بآنها سپارد \* وروز اول از عید فطیر شاکردان
- عیسی نزد وی آمده گفتند در کجا اراده داری که فصیح را مهیا سازیم
- ۱۸ که تناول نمائی \* گفت بشهر رفته فلان شخصی را بکوئید که استاذ
- میگوید که زمان من نزویک است و فصیح را با شاکردان خود نزد
- ۱۹ تو صرف خواهم نمود \* وآن شاکردان چنانچه عیسی ایشانرا فرموده
- ۲۰ بود عمل آوردند و فصیح را مهیا نمودند \* وچون شبانگاه رسید با آن
- ۲۱ دوازده شاکرد خود بنشست \* ودر اثنای خوردن آنها ایشانرا
- فرمود که بدرستی که بشما میگویم که یکی از شما مرا خیانت خواهد
- ۲۲ نمود \* پس بغایت مهموم گشته هر یک از آنها با وی شروع یسخن
- ۲۳ نمودند گفت خداوند آیا من باشم \* در جواب فرمود آنکه دست را
- ۲۴ بامن در قاب فرو میکند او مرا تسلیم خواهد نمود \* بدرستی که فرزند
- انسان چنانچه بجهت وی مقرر شده است میروو لیکن وای
- بر آنکس که فرزند انسان بواسطه وی تسلیم کرده شود که بجهت
- ۲۵ وی اسهل بودی که زائیده نمی شدی \* پس تسلیم نمانده وی
- بهدوا جواب داده گفت رتی آیا من باشم فرمود که تو خود گفتی
- ۲۶ \* ودر آن ساعت که میخوروند عیسی نانی را گرفته شکر نمود پاره
- کرو و بان شاکردان داده فرمود که بگیری و بخورید که این بدن
- ۲۷ منست \* پس جام را برداشته شکر نمود بانها داد و فرمود که همه
- ۲۸ ازین بیاشامید \* که خون منست این یعنی خون پیمان نوک

۲۹. بجهت آمرزش کنان بسیاری ریخته میشود \* لیکن بدرستی که  
 بشما میگویم که بعد ازین از دختر رز خواهم نوشید تا آنروز که در  
 ۳۰. ملکوت پدر خود آنرا با شما تازه بیاشامم \* و بعد از ترنم تسبیح بیرون  
 شتافتند بسوی کوه زیتون آنگاه عیسی ایشانرا فرمود که شما در این  
 ۳۱. شب تمامی نسبت بمن لغزش خواهید یافت زانرو که نوشته  
 شده است که شبانرا خواهم زو و کوسفندان کله متفرق خواهد  
 ۳۲. گشت \* و پس از برخاستن خود پیش از شما بمرزوبوم جلیل  
 ۳۳. خواهم رفت \* که پطرس اورا در جواب گفت که چنانچه همه در  
 ۳۴. باره تو لغزش یابند من هرگز لغزش نخواهم یافت \* عیسی ویرا  
 فرمود بدرستی که بتو میگویم که درین شب قبل از بانک نمودن  
 ۳۵. خروس سه مرتبه مرا انکار خواهی نمود \* پطرس ویرا گفت که اگر  
 چه مرک من با تو ضروری گردد لیکن هرگز نت انکار نخواهم نمود  
 ۳۶. و تمامی شاگردان نیز چنین گفتند \* آنگاه عیسی بموضعی که بکشمان  
 ۳۷. مستمی بود آمده شاگردان را فرمود که شما درینجا بنشینید تا من در  
 آنجا رفته نماز گذارم و پطرس و دو فرزند زبدی را با خود برداشته  
 ۳۸. شروع نمود بمتألم شدن و بی حال گشتن \* آنگاه ایشانرا فرمود که  
 جان من تا بمرک بیغایت محزونست درینجا بوه با من بیدار  
 ۳۹. باشید \* و اندکی پیش رفته بر رو افتاده و در دعا گفت ای پدر  
 من اگر ممکن باشد این جام از من بگرد لیکن نه چنانچه خواهش  
 ۴۰. منست بلکه چنانچه خواهش تسبت \* پس نزد شاگردان آمد  
 و ایشانرا در خواب ملاحظه نمود و پطرس فرمود که آیا نمی توانستید  
 ۴۱. که یک ساعت با من پاس نمانید \* پاسبان شوید و دعا نمانید تا

در تجربه نیفتید بدرستی که روح راغب است لیکن جسم ضعیف  
 ۲۲ است \* و باز مرتبه دوم رفته و عا نموده گفت ای پدر من اگر  
 ممکن نیست که این جام از من بگرد مگر آنرا بیاشامم بر حسب  
 ۲۳ اراده تو بشو \* و پس آمده باز آنها را در خواب یافت زانرو که  
 ۲۴ چشمان ایشان از خواب کران بود \* پس آنها را با نموده بار ستم  
 ۲۵ رفته و عا نمود و گویا شد به همان کلمات \* آنگاه نرو شاکردان خود  
 آمده آنها را فرمود که الحال باقی وقت را بخوابید و استراحت  
 نماید زیرا که آن ساعت نرو یک است که فرزند انسان بدست  
 ۲۶ عاصیان تسلیم گردد \* بر خیزید برویم اینک آنکه مرا تسلیم می نماید  
 ۲۷ نرو یک است \* و هنوز در گفتگو می بود که ناگاه پهوا یکی زان  
 دوازده نفر با جمع بسیاری از جانب رئیس کهنه و مشایخ آن  
 ۲۸ قوم با شمشیرها و چوہا آمدند \* و تسلیم کننده او ایشانرا نشانی داده  
 ۲۹ گفته بود آنکس را که بیوسم همانست محکم بگیردیش \* و در ساعت  
 ۵۰ نرو عیسی آمده گفت سلام ربی و او را بوسید \* پس عیسی او را  
 فرمود ای عزیز بچه سبب آمده آنگاه آنها آمده دست بر عیسی  
 ۵۱ افکنده او را بگرفتند \* که اینک یکی از آنانکه با عیسی بودند دست  
 کشاوه شمشیر خود را کشیده و غلام رئیس کهنه را زده کوش او را  
 ۵۲ برید \* آنگاه عیسی او را فرمود که شمشیر خود را در غلافش نما زانرو که  
 ۵۳ تمامی آنانی که شمشیر گیرند بشمشیر کشته خواهند کشت \* آیا تصور  
 میثائی که الحال استطاعت آن ندارم که بپدر خود استغاثه نمایم که  
 ۵۴ زیادتر از دوازده جوق از ملائکه حاضر گرداند \* لیکن درینصورت  
 بچه نهج آن نوشتها که میگوید چنین واقع شدن ضروریست

- ۵۵ کامل خواهد کشت \* دور آنوقت عیسی بان گروه فرمود که کویا  
 بجهت زوزی با تیغها و چوبها برای گرفتن من آمده آید و هر روز  
 ۵۶ در هیکل و عظکنان باشما می نشستم و مرا نگرفتید \* لیکن همگی  
 اینها واقع کشت تا که کامل کردو کتب انبیا آنگاه همگی  
 ۵۷ شاکردانش او را بنا نموده فرار نمودند \* و آنانکه عیسی را گرفته بودند  
 او را نزد قیافا رئیس کهنه در آنجا که نویسنده کان و مشایخ جمع  
 ۵۸ بودند رسانیدند \* و پطرس دورا دور از عقب وی بمنزل رئیس  
 کهنه رفته و داخل کشته نزد ملازمان بنشست بجهت ملاحظه  
 ۵۹ عاقبت امر \* پس رؤسای کهنه و مشایخ و همگی اهل شورا  
 استفسار شهادت دروغ بر عیسی نمودند تا او را بقتل رسانند  
 ۶۰ \* لیکن نمی یافتند اگر چه چندین شاهد زور آمدند اما هیچ حاصل  
 ۶۱ نکرید بالاخره دو شاهد کاذب آمده \* گفتند که این شخص گفته  
 است که استطاعت دارم که هیکل خدا را منهدم نموده در سه  
 ۶۲ روزش بر پا نمایم \* پس رئیس کهنه بر خاسته گفت هیچ جواب  
 ۶۳ نمی دهی این چه شهادتست که اینها بر تو میدهند \* لیکن  
 عیسی خاموش میبود پس رئیس کهنه جواب داده ویرا گفت که  
 من تو را بخدای زنده سوگند میدهم که با ما مطلع نمائی اگر مسیح  
 ۶۴ پسر خدا توئی \* پس عیسی بوی گفت که تو خود میگوئی لیکن من  
 بشما میگویم که فرزند انسانرا بعد ازین بر دست راست اقتدار  
 ۶۵ نشسته دور ابرای آسمان خواهید دید که می آید \* آنگاه رئیس کهنه  
 لباس خود را چاک زده گفت بکفر تکلم نمود و بیکر چه احتیاج بشاهد  
 ۶۶ داریم الحال کفرش را شنیدید \* آیا چه مصلحت می بینید جواب

۶۷ وازند که مستوجب هلاکست \* آنگاه بر رویش آب وهن  
 ۶۸ انداختند و سیلی میزدندش و لطمه اش میدادند \* و گفتند ای  
 مسیح از راه نبوت ما را خبر ده که کیست آنکه تورا زود است  
 ۶۹ \* پطرس در ایوان در بیرون نشسته بود که کنیزکی نزد وی آمده  
 ۷۰ گفت که تو نیز با عیسای جلیلی بویی \* و او در حضور همه انکار  
 ۷۱ نموده گفت نمیدانم که چه میگوئی \* و چون بسوی کریاس بیرون  
 رفت کنیزکی دیگر او را دیده بانانی که در آنجا بودند گفت که این  
 ۷۲ هم با عیسای ناصری بود \* که باز سوگند خورده گفت که آنمرد را  
 ۷۳ نمی شناسم \* و بعد از لمحّه کسانی که ایستاده بودند پیش آمده  
 پطرس را گفتند که البته تو هم از آنها میباشی زیرا که کهجّه تو مرتورا  
 ۷۴ ظاهر مینماید \* که شروع بلعن خو و بقسم خوردن نموده گفت که آنمرد را  
 ۷۵ نمی شناسم که بی تامل خروس بانک زو \* آنگاه پطرس سخن  
 عیسی را که بوی گفته بود که سه مرتبه ام قبل از بانک خروس انکار  
 خواهی کرد بیاد آورد و بیرون شتافته زار زار گریست

### باب بیست و هفتم

۱ و چون صبح گردیده جمیع رؤسای کهنه و مشایخ آن قوم در باره  
 ۲ عیسی مشورت کردند که او را بقتل رسانند \* پس او را بسته بیرون  
 ۳ کشیدند و به پنطیوس پیلطس حاکم تسلیم نمودند \* و چون به وادی  
 تسلیم کننده وی ملاحظه نمود که بر او حکم نمودند پشیمان گشته آن  
 ۴ سی پاره نقره را بر رئیس کهنه و مشایخ رد نمود \* و گفت که خطا کرده  
 ام زیرا که خون بیکناهی را تسلیم نموده ام گفتند که ما را چه کار است  
 ۵ خود دانی \* پس آن پاره های نقره را در هیکل افکنده بر کشت



- ۶ ورفته خوورا خفه نموو \* ورؤسای کهنه آن پاره‌های نقره را برواشته
- گفتند که نهادن آنها را در بیت المال جایز نیست زانرو که بهای
- ۷ خونست \* پس شورا نموده مررعه کوزه کرا . بجهت مدفن غربا از
- ۸ آنها خریدند \* واز آنجهت آنمررعه تا امروز بکشت خون خوانده
- ۹ میشود \* آنگاه کامل کردید آنچه بوساطت ارمیا پیغمبر گفته شده
- بود که میگفت پس آن سسی پاره نقره بهای آن شخص قیمت
- کرده شده را که بعضی از بنی اسرائیلش قیمت نموزند بگرفتند
- ۱۰ \* و آنها را در عوض مررعه کوزه کرد و داند چنانچه خداوند بمن ارشاد
- ۱۱ کرده است \* وعیسی در حضور حاکم ایستاده حاکم از وی سوال
- نموده گفت که آیا تو پادشاه بهوو میباشی عیسی ویرا گفت که تو
- ۱۲ خور میگوئی \* وور حینیکه رؤسای کهنه و مشایخ ویرا متهم می نمودند
- ۱۳ او مطلقاً جواب نمیداد \* آنگاه پپلاطس گفتش که نمی شنوی که
- ۱۴ بچه مقدار چیزها بر تو شهامت میدهند \* او را مطلقاً تا بیک لفظ
- ۱۵ پاسخ نداده چنانچه حاکم بسیار تعجب نمود \* و حاکم را قاعده بود که
- در هر عید یک زندانی هر که را ایشان خواهش می نمودند آزاد می
- ۱۴ کرد \* و در آنزمان محبوبسی مشهور که به برتاس مستمی بود داشتند
- ۱۷ \* بنابراین چون جمع گشتند پپلاطس ایشانرا گفت که کرا میخواهید
- که بجهت شما را نمایم برتاس یا عیسی را که بمسیح مشهور است
- ۱۹ \* زانرو که یافته بود که از راه حسدش تسلیم نموده اند \* و چون
- بر کرسی حکومت نشست زنش نرد وی فرستاده گفت که تو را با
- آن مرد عادل هیچ کار نباشد زیرا که امروز خواب در باره او بسیار
- ۲۰ زحمت کشیده ام \* لیکن رؤسای کهنه و مشایخ خلق را بر

- ۲۱ استخلاص برباس و هلاک عیسی تحریص نمودند \* و حاکم جواب داده ایشانرا گفت که ازین دو کدامرا خواهش دارید که بجهت
- ۲۲ شما را بنامیم گفتند که برباس را \* پیلطس ایشانرا گفت پس با عیسی که مستمی بمسیح است چه کنم تمامی آنها گفتند که مصلوب
- ۲۳ شوو \* حاکم گفت چه تقصیر کرده است لیکن ایشان با غوغای
- ۲۴ زیاد گفتند که باید مصلوب شوو \* و چون پیلطس ملاحظه نمود که هیچ فایده حاصل نمیشوو بلکه آشوب میشوو آبی را بر داشته و پیش روی آن جمعیت دستهای خوورا شسته گفت که از خون این
- ۲۵ مرد عادل مبرا میباشم شما خوو به بینید \* که تمامی خلق جواب داده
- ۲۶ گفتند خون او بر ما و بر فرزندان ما باو \* پس برباس را برای آنها آزاد نمود و عیسی را تازیانه زده بجهت مصلوب شدنش تسلیم
- ۲۷ نمود \* پس سپاهیان حاکم عیسی را در دیوان خانه آورده جمیع
- ۲۸ سپاه را بروی جمع نمودند \* و او را برهنه نمودند جامه سرخش پوشانیدند
- ۲۹ \* و تاجی از خار بافته بر سرش نهادند و نی بدست راستش دادند و پیش روی وی زانو زده استهزاکنان می گفتند سلام ای پادشاه
- ۳۰ بهوو \* و آب دهن بروی افکنده آن نی را گرفته بر سر او زودند
- ۳۱ \* و بعد از آنکه استهزایش نمودند جامه را از برش در آورده بلباس
- ۳۲ خووش او را پوشانیدند و بجهت صلبش برزند \* و در اثناء بیرون رفتن ایشان شخص قورنثی را که مستمی بشمعون بود یافته او را
- ۳۳ بجهت برواشتن صلبش مجبور ساختند \* و بمکانی که بگلگه مستمی
- ۳۴ بود یعنی محل کاسه سر رسیدند \* و سرکه ممزوج بمر بجهت
- ۳۵ آشامیدن بوی دادند و او چشیده نخواست که بیاشامد \* پس او را

مصلوب نموده بر لباس وی قرعه افکنده تقسیم نمودند تا آنچه  
 بوساطت پیغمبر گفته شده بود کامل گردد که بدرستی که لباسم را با  
 ۳۶ خود تقسیم نمودند و بر پیراهنم قرعه افکنند \* و در آنمکان نشسته  
 ۳۷ حراستش می نمودند \* و مضمون اوقایش را نوشته بالای سرش  
 ۳۸ آویختند که اینست عیسای پادشاه یهود \* و در آن هنگام دو دوز  
 نیز با وی مصلوب شدند یکی بر یمن و دیگری بر شمالش  
 ۴۰ \* و گذرنده گانش فحش داده سرهای خود را جنبانیده میگفتند \* ای  
 آنکه هیکل را ویران می کردی و در سه روز عمارتش می ساختی  
 خود را نجات ده و چون فرزند خدا میباشی ازین صلیب فرود آی  
 ۴۱ \* و هم چنین رؤسای کهنه با نویسندگان و مشایخ نیز تمسخرکنان  
 ۴۲ می گفتند \* ویکرانرا نجات داده است و خود را نمی تواند که نجات  
 دهد اگر پادشاه اسرائیل است از صلیب الحال فرود آید که  
 ۴۳ ما بروی اعتقاد خواهیم آورد \* او که توکل بر خدا می نمود چنانچه از  
 راضی است الحال نجاتش دهد زانکه میگفت فرزند خدا میباشم  
 ۴۴ \* و هم چنین آن دزدان که با وی مصلوب شدند بروی فحش  
 ۴۵ میدادند \* و از ساعت ششم تا ساعت نهم ظلمتی تمامی آنزمین را  
 ۴۶ فرو گرفت \* و نزدیک بساعت نهم عیسی با آواز بلند فریاد نموده  
 گفت ایلی ایلی لما شبقتانی یعنی الهی الهی از بهر چه مرا وا گذاشتی  
 ۴۷ \* و بعضی که در آنجا ایستاده بودند چون این سخن را شنیدند  
 ۴۸ گفتند بایلیاس استدعا می نماید \* و در ساعت یکی زان میان  
 دوان رفته اسفنجی را گرفته و از سر که مخلوط نموده بر سر نی گذاشته  
 ۴۹ جهت آشامیدنش حواله نمود \* ویکران گفتند بگذار تا بنکریم که

- ۵۰ ایلیاس بجهت خلاص نمودن وی می آید یا نه \* و عیسی باز  
 ۵۱ باواز بلند فریادی نموده روح را تسلیم نمود \* که ناگاه پروه هیگل  
 از بالاتر پائین دو پاره شده زمین متزلزل گشته و سنگها شکافتند  
 ۵۲ \* و قبرا باز شدند و بسیاری از جسد های مقدسین که آرامیده بودند  
 ۵۳ برخاستند \* و بعد از برخاستن وی از میان قبرا بیرون آمده در شهر  
 ۵۴ مقدس داخل گشته و بر بسیاری ظاهر گردیدند \* و چون یوز باشی  
 و کسانیکه عیسی را پس میداشتند ز لرزه و انجیزانیکه بوقوع رسید  
 مشاهده نمودند بی نهایت ترسیده گفتند فی الحقیقه این شخص  
 ۵۵ فرزند خدا بود \* در آنجا زنان بسیاری که از جلیل عیسی را خدمت  
 ۵۶ کرده متابعت می نمودند از دور در مشاهده بودند \* و مریم مجدلیه  
 و مریم ماور یعقوب و یوشا و مادر فرزندان زبدی در آنمیان بودند  
 ۵۷ \* و چون شام گردید توانگری یوسف نام از همیشه که او نیز شاگرد  
 ۵۸ عیسی بود آمده \* و آن شخص نرو پیلطس رفته جسد عیسی را  
 ۵۹ خواست نمود و پیلطس فرمان داد که جسد او داده شود \* پس  
 ۶۰ یوسف جسد را گرفته بپارچه کتان پاکسی پیچیدش \* و در قبر نو  
 خویش که از سنگ تراشیده بود بگذاشت و سنگ بر کسی را بر سر  
 ۶۱ قبر غلطانیده رفت \* و مریم مجدلیه و مریم دیگر در آنجا مقابل قبر  
 ۶۲ نشسته بودند \* و در روز دوتیم که بعد از روز تهیه است رؤسای کهنه  
 ۶۳ و فریسیان بانفاق نرو پیلطس آمده \* گفتند مخدوما یار داریم که  
 آن کمره کننده در حالت حیات خود میگفت که بعد از سه روز  
 ۶۴ خواهیم برخاست \* بدینجهت بفرما که تا روز ستم آن قبر را محافظت  
 نمایند که مبادا شاگردان وی در شب آمده آنها بدزدند و بمردم

بگویند که از مرده‌گان برخاسته است و کمراهی آخر از اول افزون  
 ۴۵ کرد \* پیلطس آنها را گفت که شما خود کشیکچیان دارید رفته  
 ۴۶ بان نحو که میدانید محافظت نمائید \* ایشان رفته قبر را بقرار  
 دادن کشیکچیان و مهر نمودن سنگ محافظت نمودند

باب بیست و هشتم

۱ و در آخر سبت سفیده دم روز اول هفته مریم مجدلیه و مریم دیگر  
 ۲ بجهت مشاهده قبر آمدند \* نگاه زلزله عظیمی واقع گشته زانرو  
 که فرشته خداوند از آسمان نزول نموده پیش آمده آن سنگ را  
 ۳ از سر قبر غلطانید و بر آن بنشست \* که چهره او مانند برق و لباس  
 ۴ وی چون برف سفید بود \* و نگاهبانان از هیبتش مبهوت شده  
 ۵ چون مرده‌گان گردیدند \* پس آن فرشته توجه بان زنان نموده گفت  
 شما خوف نمائید زانرو که میدانم در تفتحص عیسای مصلوب می  
 ۶ باشید \* و او در اینجا نیست زیرا که چنانچه گفته بود برخاسته بیائید  
 ۷ و جاتیکه خداوند خوابیده بود ملاحظه نمائید \* و بسرعت رفته  
 شاکروانش را اعلام کنید که از مرده‌گان برخاسته است و اینک  
 او پیش از شما بجلیل میرو و در آنجا او را خواهید دید و اینک  
 ۸ شمارا من مطلع نمودم \* ایشان بسرعت از قبر بترس و خرمی  
 عظیم بیرون آمده بجهت اخبار شاکروان او روان گردیدند  
 ۹ \* و هنگامیکه بجهت اخبار شاکروان او میرفتند نگاه عیسی با  
 ایشان بر خورده سلام داد و ایشان پیش آمده پاهایش را گرفته  
 ۱۰ او را سجود نمودند \* آنگاه عیسی ایشانرا فرمود که مترسید و رفته  
 برادران مرا خبر نمائید که بناحیه جلیل روند که مرا در آنجا خواهند

- ۱۱ دید\* و در آنوقت که میرفتند اینک چند نفر از کشیکچیان در شهر  
 آمده از جمیع چیزهایی که واقع شده بود رو سائی کهنرا مطلع نمودند  
 ۱۲ \* و ایشان با مشایخ جمع شده و شورا نموده مبلغ معتدی بان  
 ۱۳ سپاهیان دادند \* و گفتند که بگوئید که شاکروانش در شب در  
 ۱۴ وقتی که ما در خواب بودیم آمده اورا زد و زیند \* و هرگاه که این مقدمه  
 ۱۵ بگوش حاکم رسد اورا حجاب و شمارا فارغ خواهیم نمود \* و ایشان  
 آن مبلغ را گرفته چنانچه تعلیم یافته بودند بعمل آوردند و این سخن  
 ۱۶ تا امروز در میان یهود مشهور است \* و آن یازده شاکرو بسوی  
 ۱۷ جلیل بان کوهی که عیسی بانها اشاره فرموده بود شتافتند \* و اورا  
 ۱۸ مشاهده کرده ویرا سجود نمودند لیکن بعضی شک کردند \* پس  
 عیسی پیش آمده و بانها تکلم فرموده گفت که تمامی قدرت در  
 ۱۹ آسمان و زمین بمن عطا شده است \* لهذا بروید و تمامی قبایل را  
 از شاکردان نمائید بغسل تعمید دادن آنها را باسم اب و ابن  
 ۲۰ و روح القدس \* و آنها را بمحافظت کردن هر آنچه شمارا فرمودم  
 امر نمائید و اینک وایم تا انقضای جهان با شما میباشم



# فهرست این کتاب مقدس

<p>رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان . . . 503</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507</p> <p>رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . . 516</p> <p>رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . . 522</p> <p>رسالهٔ پولس بفلیمون . . . . . 526</p> <p>رسالهٔ پولس بعبریان . . . . . 528</p> <p>رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . . 552</p> <p>رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . . 561</p> <p>رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . . . 570</p> <p>رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . . . 576</p> <p>رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . . . 585</p> <p>رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . . . 586</p> <p>رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . . 587</p> <p>کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . . 590</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . . 496</p>
---	---



هللا ةالص

، برلا اها

قفرع نم نكم متن یتح جار فالال مت دقو اذه ديدجل دهعلا والي جبالا اذه ىلع ارکش  
لكن ع ديزملا

تنا .ح اتملل ينورتكلال باتكل اذه عنص نع ملو एस ملل بعشلا قدع اسم ءاجرلا  
مهتدع اسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكلل رشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدع اسم ءاجرلا  
ةح اتملل هينورتكلال

نوكت يكف هجاتحت يذلا تقولا و قوقو ، لاومال او دراومل اعيمج ىلع امتدع اسم ءاجرلا  
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق  
لكل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدع اسم ءاجرلا  
اهل ديرت يتلا لامع الل يحورلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسال قوق اهئاطع اعجري  
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدع اسم ءاجرلا  
ءيش لك نع لوؤس ملل او ةالصلا مبوبج يذلا هللا تنأ ن!

نوكراشي مهنا قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدا  
هيف

يتلا تابقلع نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدا  
لفسا ىلا امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اولعج نيذلا سانلا اضي ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدع اسم ءاجرلا  
رارمتسال اهل ينس تي يتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا يتح ، ةح اتملل هعبطلا  
سانلا نم ربكاددع قدع اسم يف

فوس كن او ، (ديدجل دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدا  
ةينمزلل قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نا من طفل او قملك حل او هي حورلا ينيطعت  
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصل عم لماعتلا ةيفيك قفرع يه يتدع اسم ءاجرلا  
نيرخال دعاسن نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا درولل .موي  
لماعلا لوحو قوطنملل يذلب يه نيحي سملل

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملل ينورتكلال باتكلل يطعي نا مكل هللا وعدا

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدا

قرطلا لكب مكلة عباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوالا مده يف هي جوتلا او هعتملا اني طعي امك  
نيم ، عوسي مساي يف

# - Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutalo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutalo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

# - Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

( por que nós traduzem isto em muitas línguas?  
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.  
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais ).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamten könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

**Dear Lord,**

**Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you.**

**Please help accurate versions to have wide circulation.**

**Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.**

**Please help the people responsible for making this Ebook available.**

**Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available**

**Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.**

**Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective.**

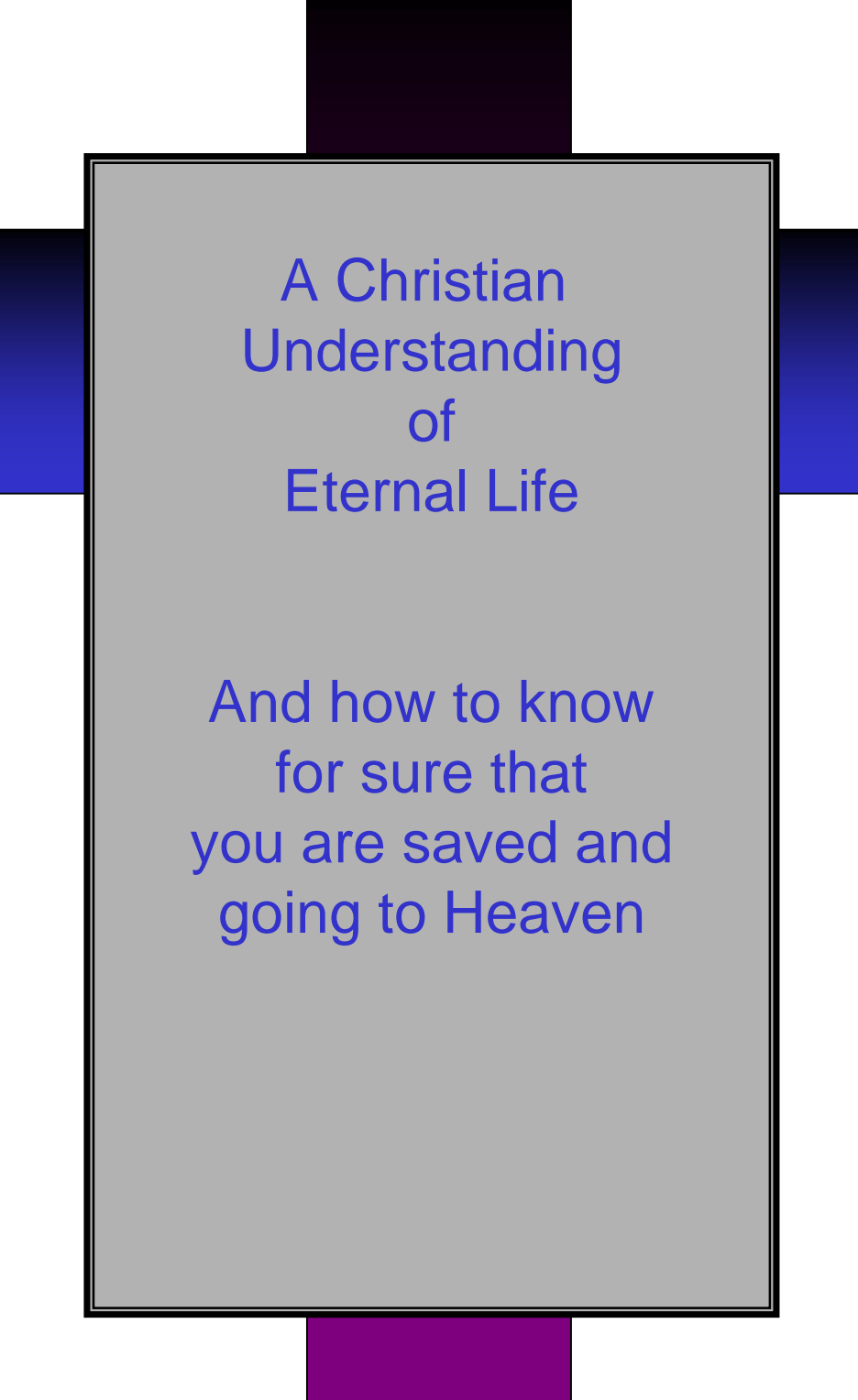
**Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.**

**I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.**

**I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,**







A Christian  
Understanding  
of  
Eternal Life

And how to know  
for sure that  
you are saved and  
going to Heaven

# **Saved - How To become a Christian how to be saved**

**A Christian is someone  
who believes the  
following**

*Steps to Take in order to become a  
true Christian, to be Saved & Have a  
real relationship & genuine  
experience with the real God*

**Read, understand, accept and  
believe the following verses from  
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short  
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of  
the glory of God;

**2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.**

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

**3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.**

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

**4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.**

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

**5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.**

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

**6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a**

**fact that you have been given  
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

**7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.**

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

**If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:**

***" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you***

***to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".***

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

**It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is**

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked  
Jesus to come into your life**

**Find the following passages in the Bible and begin to read them:**

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.

6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your

fears and concerns, and ask him for help and guidance.

7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

---

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "*being saved*" process works only for those



who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ?  
because they are magical ?  
No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of what God does for them at that moment in time.*

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

**First** the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

**Second** the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

**John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.**  
**17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.**

# Prayers that count

## The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

**And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:**

**(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.**

**(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.**

**(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.**

**(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)**

**(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.**

**(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.**

**(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.**

**(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.**

**(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.**

**(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,**

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.



(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

---

### Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon  
the Textus Receptus are  
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK  
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.  
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in  
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)  
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of  
this edition is actually from 1880 which means  
it was produced prior to the Revised Version  
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions  
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,  
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform  
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is  
the standard historic Koine Greek Text of the  
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede  
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online  
Under "Textus Receptus". There are 2  
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the  
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833  
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by  
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

### Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;  
they shall mount up with wings as eagles;  
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

#### I Thessalonians 4: 13\_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord

so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

#### Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI) of HENRY  
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [ 9 ] Parts.  
All are available online **Persian New Testament  
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-  
**Please Note:**

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,  
use, distribute personally or in file sharing systems,  
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website  
is granted.**

**Note: Do not always depend on  
large “storage” websites. Do not depend on websites  
in the west. Sometimes large websites are affected  
and then no longer work. For your convenience  
and easy access, Please keep copies of this  
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage  
space available.

-----  
Téléchargement = Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and  
for our protection in all ways and at all times.  
Thanks.

**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI)  
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [ 9 ]

Parts:

**Part 1**

**Part 2**

**Part 3**

**Part 4**

**Part 5**

**Part 6**

**Part 7**

**Part 8**

**Part 9**

All are available online  
**Persian New Testament**  
Edition of **HENRY MARTYN**  
**1837**

-----

Téléchargement  
Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.  
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER  
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,  
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD  
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE  
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.  
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE  
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison  
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson  
The Two Babylons by Hislop  
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander  
The [ Idolatry of ] the Worship of Mary by J. Endell Tyler  
Books by George STANLEY Faber  
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)  
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity  
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,  
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =  
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)  
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New  
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH  
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب  
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع  
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فلمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي